

## در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی زنانه در ایران

### برای یک برابری سوسیالیستی

فدرالیسم:

#### نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه

صفحه ۶

رحمان حسین زاده

#### هویت بافی دروغین در گروه پدرسالاری

صفحه ۵

سائمه سلطانی

در یک نگاه

#### جنگ ارتجاع امپریالیستی در اوکراین یکساله شد

صفحه ۸

رحمان حسین زاده

بیانیه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

#### تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

#### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز

#### در باره در لیست تروریستی قرار گرفتن سپاه پاسداران

صفحه ۲۰

سیاوش دانشور

#### نامه ای از یک رفیق کارگر

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

#### زنده باد انقلاب زنانه!

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

۶۸۷

# مسئله کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۵ اسفند ۱۴۰۱ - ۲۴ فوریه ۲۰۲۳

۸ مارس ۲۰۲۳

## در حمایت جهانی از خیزش

## انقلابی در ایران

مهمترین سوال روز جهانی زن ۲۰۲۳ برآمد توده ای و انقلابی و زن محور در ایران است. خیزش انقلابی در ایران از دریچه سوال کلیدی مسئله زن و مشخصاً علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی قطبی شده است، اما محدود به این سوال مهم نیست و نخواهد ماند. خیزش انقلابی زن محور در ایران عروج جنبشی آنتی اسلامیستی در پایگاه اصلی اسلام سیاسی است که میتواند سیمای جامعه ایران و منطقه را دگرگون کند و کل صورت مسئله اسلام سیاسی در جهان را تغییر دهد. بدیهی است که تحولات در ایران خصلت کشوری ندارد و مسئله ای صرفاً مربوط به ایران نیست، بلکه به سوالاتی مهم و دورانسانز در منطقه و جهان جواب میدهد و به این اعتبار بر معادلات دیرپاتر در کشورهای خاورمیانه و جهان تأثیرات ماندگار برجای خواهد گذاشت. به این معنا این جنبشی علیه کل منافع طبقه بورژوازی در ایران و منطقه و حامیان جهانی اش است. انتظار جنبش انقلابی و جنبش آزادی زن در ایران از جنبش جهانی حقوق زن و جنبش بین المللی کارگری و افکار عمومی پیشرو اینست که در ۸ مارس ۲۰۲۳ در دفاع از خیزش انقلابی در ایران و آزادی و برابری زن و مرد ب میدان بیایند. از تحریک انقلابی نسل جدید و زنان صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ۸ مارس ۲۰۲۳

## در حمایت جهانی از خیزش انقلابی در ایران ...

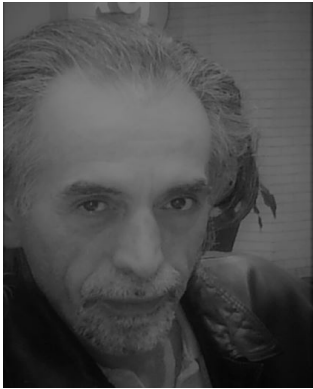
و مردان شورشی که تاریخ می سازند و علیه یکی از دژهای ارتجاع در قرن بیست و یکم با جسارت ستودنی بپا خاسته اند، قاطعانه دفاع کنند. در دنیای امروز و در حال حاضر ایران تنها سنگر انقلابی است و هر انقلابی و نیروی آزادیخواهی موظف به حمایت از آنست.

تحولات ایران در دنیایی که در جنگ و رقابت میلیتاریستی، در نفرت پراکنی قومی و مذهبی و سیاست هویتی، در نسل‌کشی و زن ستیزی و کارگرکشی غرق بود، منشاء امید و تحرک جدیدی شد. بار دیگر معلوم شد که سرنوشت دنیا دست میلیتاریست ها و تروریست ها و دستجات مرتجع نیست، معلوم شد تاریخ را انسانهای واقعی و جنبش های واقعی میسازند اگر راهشان را پیدا کنند. بار دیگر قاطعیت انقلابی کلیه تنوریهای کپک زده که کشیمنی در آکادمی و دانشگاه ها و مراکز فکری برای اسارت بشر تولید میشد را بی اعتبار کرد. بار دیگر تحرک انقلابی هر ضد بشر و واپسگرا و ضد تغییرات رادیکال را وادار کرد که ردای قلابی "انقلاب" بر تن کند. راست گفته اند که تاریخ را کسانی می سازند که در تغییر دینفعند، نیروها و جنبش های که خلاف جریاند و علیه سلطه طبقات دارا و قدرتهای مافوق مردم برمیخیزند. تغییرات پایدار و تعیین کننده همواره محصول انقلابات و قیامها و حرکتیهای خلاف جریان بوده است.

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در ایران، اگر از یکسو ادامه تاریخی مبارزات و برآمدهای توده ای پیشین بود، از سوی دیگر کیفیتی جدید و جنبشی برای تعیین تکلیف با مهمترین سوالات قدیمی و پاسخ نگرفته با افقی برای یک آینده بهتر بود. این جنبش امروز موج اول را در دوره انقلابی پشت سر گذاشته است و می رود در امواج بعدی با سوالات مرکزی و مهم دیگر مثل مواجهه به فقر و فلاکت، با اعتصابات گسترده کارگری و حضور کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی و یک جنبش قدرتمند ترکیب شود و تصویر عمیق تری از تحولات ایران بدست دهد.

در این اوضاع است که اغتشاش و ابهام از تصویر وارونه و تاکنون پمپاژ شده جامعه تدریجاً کنار می رود، صحنه کلاسیک تر میشود، نیروها و جنبش های اجتماعی از هر سو بمیدان می آیند، از فاشیست و مونارشویست و ناسیونالیست تا جمهوریخواه و آزادیخواه و سوسیالیست، تلاش دارند مَهر خود را بر تحولات بکوبند. جامعه بیش از پیش قطبی میشود و کل اردوی رنگارنگ ارتجاع و منادیان بازسازی نظم قدیم در هیئت چهره ها و نیروهای متفرقه در مقابل تغییر انقلابی و برای "مدیریت" آن بمیدان می آیند، منافع بزرگتر و استراتژیک طبقاتی دوست و دشمن دیروز را در یک صف قرار میدهد و با یک زبان و یک خط مشی سیاسی بصف می کند. ضد انقلاب و مخالفان تغییرات بنیادی همه و هر کدام بنوعی علیه صفوف

انقلاب و اردوی نیروهای خواهان تغییرات ریشه ای سنگربندی می کنند. نظر به خصلت زنانه تحول انقلابی در ایران، روز جهانی زن امسال بسیار مهم است و هر نیروی آزادیخواه که امیدی به پیروزی خیزش انقلابی در ایران دارد، ضروری است آگاهانه در کنار مبارزه انقلابی و علیه ارتجاع داخلی و بین المللی بایستد.



گفته اند میزان حرمت و آزادی بشر رابطه مستقیمی با درجه رشد تکنیک و علم و ثروت اجتماعی دارد. بنظر میرسد این رابطه معکوس است. حقوق انسانها عموماً و حقوق مردم کارگر و زحمتکش و زنان خصوصاً، در دهه سوم قرن بیست و یکم در قیاس با دهه های شصت و هفتاد میلادی قرن بیستم، بسیار وخیم است. امر آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها که زمانی از ارزشهای معنوی بشریت پیشرو بود، امروز دور دست و چه بسا مُحال به نظر میرسد. عقبگردهائی که سرمایه و جنبشهای ارتجاعی و ایدئولوژیهای مُنحط به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است.

زمانی میگفتند آزادی بشر در گرو پیشرفت جامعه، رشد صنعت و تکنیک و وجود شرایط مادی ای است که بتوان از حقوق و آزادی و رفاه برای انسانها صحبت کرد. یک مشاهده ساده نشان میدهد که دنیای قرن بیست و یکم در ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای انسانی برای پیشرفت غرق است. با اینحال انسانها در قرن بیست و یکم در قیاس با قرن گذشته بسیار بیحقوق ترند. این اوضاع برای هزارمین بار اثبات میکند که بشر بطور تدریجی و برگشت ناپذیری رشد نمیکند و جلو نمیرود بلکه نیروهای واقعی سیاسی میتوانند جامعه را به قهقرا برگردانند. این یک طرف مسئله است. طرف دیگر مسئله جنبشها و نیروهای سیاسی و طبقاتی هستند که هنوز برای امر تغییر تلاش میکنند و تغییر اوضاع موجود را ممکن میدانند.

واقعیت اینست اگر وضع موجود را نپذیریم، اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگاه نکنیم، با امکانات مادی و دستاوردهای تکنیکی و اطلاعاتی دنیای امروز، با هر محاسبه ای میتوان دنیائی آزاد و مُرفه و خوشبخت برای همگان ساخت. میتوان از فقر و فلاکت و زن ستیزی و جامعه ستیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد شد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیه زنان بسیار بیشتر از طاعون و جُزام و ایدز و بیماریهای اپیدمیک و جنگهای مهیب از بشریت قربانی میگیرد. سوال اینست که منشأ این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماچویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن، علیرغم تفاوتی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است؟ چرا این فرهنگ منحط هر روز باز تولید میشود؟

۸ مارس ۲۰۲۳

## در حمایت جهانی از خیزش انقلابی در ایران ...

## سرمایه داری و ستمکشی زن

تاریخ مکتوب بشر با زن ستیزی و زن گُشی عجین است. به این اعتبار زن ستیزی و تبعیض براساس جنسیت ویژگی سرمایه‌داری نیست. اما سرمایه‌داری این میراث نفرت‌انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن گُشی در دنیای امروز الگوهای قرون وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه‌داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیایی که انفجار اطلاعات آن را به "دهکده‌های جهانی" تبدیل کرده است، در هر گوشه این دهکده، بورژواها و ژنرال‌ها و مُشتی سیاستمدار نوکر و آخوند و سرعشیره و آدمکش حرفه‌ای سلطنت میکنند. علم و دانش و تکنولوژی و ثروت و دستاوردهای بشری، در دست بورژوازی به وسیله ای برای عقب راندن بشریت به عهد جهالت و رواج مردسالاری و خودمحموری و زن ستیزی و خشونت عریان علیه میلیاردها نفر در خدمت منافع اقلیت بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

نه فقط ستمکشی زن و تبعیض براساس جنسیت، بلکه نفس وجود هر نوع ستم و تبعیضی در دنیای امروز، رابطه مستقیمی با منافع نظام سرمایه‌داری و طبقه حاکم دارد. از خانواده بعنوان یک نهاد اقتصادی تا قلمرو تولید و مناسبات اجتماعی و قوانین، موقعیت فرودست زن وسیله‌ای برای کسب سود است و منافع طبقه‌ای را پاسداری میکند. ستمکشی زن یک رُکن انباشت سرمایه است. همین ضرورت بازتولید بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. زن ستیزی مسئله‌ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی و اسپرگرا نیست، مسئله‌ای اقتصادی و اجتماعی است. به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری‌اند و توسط سخنگویان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار و "فرهنگ سازان" مرتجع بورژوا بازتولید میشوند.

در این دنیای تاریک است که ما کارگران و کمونیستها، ما زنان و مردان برابری طلب، ما انسانهای فهیم و آزاد اندیش، هنوز پرچم ۸ مارس را در دست داریم. آرزوی ما این نیست که تا جهان وجود دارد به خیابان بیائیم و از برابری زن و مرد دفاع کنیم! آرزوی ما اینست که دیگر جنگی برای ۸ مارس ضروری نباشد. تبعیض براساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب‌ماندگی تاریخی دیگری ورافتاده باشد. ۸ مارس میراث و سنت کمونیسم کارگری است و بحق باید عزیز داشته شود. اما هدف این جنبش نفی فوری نابرابری و تبعیض و نفی شرایطی است که جامعه طبقاتی با تمام تضادها و تناقضات و مصائبش، زندگی بشر امروز و از جمله زنان را به جهنمی روی زمین تبدیل کرده است. ۸



مارس صرفاً یک یادواره و مراسم "تکریم" از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادیخواهانه نیست، بلکه جبهه‌ای قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تحجر و نابرابری است و باید مادام که ذره‌ای از تبعیض براساس جنسیت برجاست، پرچم آن برافراشته باشد.

## آزادی زن و اسلام سیاسی

یک مسئله اساسی دیگر موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و مصافهای جنبش آزادی زن در این جوامع است. اینجا تفکیک مثلاً ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با کشورهای اروپایی و آمریکایی تا آنجا که به تعیین سیاستها و جایگاه جنبش آزادی زن برمیگردد بسیار حیاتی است. در اروپای غربی بعنوان مثال امر برابری حقوقی کمابیش مُحقق شده است و مسئله برابری اقتصادی در قلمروهای مختلف صورت مسئله سوسیالیستهاست. در ایران و کشورهای اسلام‌زده همین سیاست ناکافی است. تکرار صرف بحث درست برابری اقتصادی در کشوری مانند ایران و در عین حال بی‌توجه بودن به اهمیت تقابل با حاکمیت اسلامی بعنوان یک ابزار مهم و ربنای سیاسی سرمایه‌داری، عملاً جنبش آزادی زن را در مقابل شمشیر خونین اسلام خلع سلاح میکند. در کشورهای اسلام‌زده که آپارتاید جنسی یک رُکن حاکمیت سرمایه‌داری است، فرودستی زن از جنس نژاد پرستی و سلب هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. همانطور که سیاست و شعار هر سوسیالیست و کمونیست جدی در آفریقای جنوبی دوران نژادپرستی الغای فوری آپارتاید بود و نفی آپارتاید نژادی را یک گام مهم در انکشاف و بسط مبارزه طبقاتی میدانست، در ایران و کشورهای اسلام‌زده نیز نفی آپارتاید اسلامی یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن برای تحقق برابری سوسیالیستی است. در کشورهایی که هویت انسانی اولیه

میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از تحجر و توحش سرمایه داری است.

در روز جهانی زن باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسیم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسیم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات و هویت‌های کاذب ندارد. برای کمونیسیم کارگری، جنبش آزادی زن یک رُکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رُکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسیم کارگری آزادی زن یک رُکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخزد، ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هرگونه تبعیض و نابرابری برخیزد، و به همین اعتبار، ناگزیر است ریشه های کُل تبعیض و نابرابری و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن را در هم بکوبد.

سردبیر.

۲۴ فوریه ۲۰۱۳

## ۸ مارس ۲۰۲۳

### در حمایت جهانی از خیزش انقلابی در ایران ...

نیمی از جامعه رسماً و قانوناً برسمیت شناخته نمیشود، امر سوسیالیسم و کمونیسیم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد.

یک تفاوت دیگر اینست که مسئله زن در ایران و کشورهای منطقه یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی است. زن ستیزی، حجاب اسلامی، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. "انقلاب زنانه" در ایران، یعنی انقلاب رهائی بخشی که زنان در آن نقش چشمگیری دارند، کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادیخواهی سوسیالیستی در منطقه و جهان خواهد شد. پیروزی بر آپارتاید اسلامی در ایران زنان را بعنوان یک بازیگر مهم اجتماعی علیه اسلام و سرمایه داری در معادلات بین المللی طرح میکند و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین و مُدرنترین جنبش مقابل بشریتی

## زنده باد انقلاب زنانه! به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

روز جهانی زن امسال در شرایطی برگزار میشود که کل جامعه و زنان در راس آن عزم کرده اند تا به عمر ننگین یک حکومت مذهبی و ضد زن از طریق یک انقلاب پایان دهند و دنیا را از شر ارتجاع سیاه و ضد بشری اسلامی نجات بخشند.

زنده باد انقلاب زنانه!  
به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

Long live the women's revolution!  
On the occasion of March 8,  
International Women's Day

For participation details or more information, contact  
Homa Arjomand at arjomandhoma@gmail.com (www.nosharia.ca)  
or Maryam Namazie at maryamnamazie@gmail.com (www.maryamnamazie.com)

در این روز ۱۶ تن از مبارزین انقلابی رهایی زن و صف متحد حول منشور زن، زندگی، آزادی با برگزاری یک کنفرانس در ۷ مارس با تمرکز بر اهداف یک انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه و چگونگی پایان دادن قطعی حاکمیت رژیم اسلامی در ایران روز جهانی زن را گرامی میدارند.

سخنرانان روز جهانی زن عبارتند از:

پروین کابلی، مهین علیپور، مرسده قاندى، آذر ماجدی، مینا احدی، ملکه عزتی، مریم نمازی، دیانا نامی، هما ارجمند، هلاله طاهری، مرجان علیپور، ثریا شهابی، هلاله رافع، عطیه نیک نفس، مهشاد افشار، نسرين رضانعلی.

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

## در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی زنانه در ایران

### برای یک برابری سوسیالیستی



آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند. از دانشگاه ها و مراکز آموزشی تا مراکز کار و محلات، از دیوارها تا بیلборدهای تبلیغاتی و بزرگراه ها، همه جا را با برافراشتن شعارهای انقلابی آزادی زن مزین کنید. مراسم و اجتماعات بمناسبت روز زن برگزار کنید. پوستره‌های جانباختگان را علیه

فراموشی وسیعاً بازنشر کنید. بر جنایت های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران قویاً تأکید کنید.

سرنگونی حکومت اسلامی و نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی شرط لازم آزادی زن در ایران است. تحقق آزادی جامعه و برابری کامل زن و مرد در تمام وجوه زندگی اجتماعی، بدون سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی، بدون سرنگونی نظم مبتنی بر نابرابری و تبعیض و بردگی مزدی، بدون سرنگونی سرمایه داری ممکن نیست. ما پیروزم، در این تردیدی نباید داشت. ما پرچم جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را در ایران دفن می کنیم. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زیر و رو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولتهای اسلامی و استبدادی در منطقه از امواج انقلابی آزادیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

**برابری یقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی!**

**نابود باد حکومت جنایتکاران اسلامی ضد زن!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ بهمن ۱۴۰۱ - ۱ فوریه ۲۰۲۳

برآمد توده ای و انقلابی زن محور در ایران، خیزشی که با عنوان "اولین انقلاب زنانه" جهان از آن یاد میشود، مهمترین رویداد و سوال در روز جهانی زن امسال است. برای اولین بار در کشورهای اسلام زده، زنان و مردان نسل جدید برای سرنگونی یکی از دژهای قدرتمند ارتجاع ضد زن بپاخواستند، دستجمعی حجاب اسلامی را آتش زدند و به سمبل ها و نمادهای قدرت حاکمیت اسلامی هجوم بردند. جنبشی که ۴۴ سال پیش علیه فرمان حجاب خمینی شعارهای: "نه به حجاب اسلامی" و "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" را سرداد و به خونین ترین شکل سرکوب شد، در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در قامتی بلند بمیدان آمد، منشأ امید و همبستگی داخلی و جهانی شد و بر نقش کلیدی زنان در سرنگونی حکومت های اسلامی تأکید کرد.

برابری طلبی، آنتی اسلامیسم و رادیکالیسم در تفکر و عمل، یک گرایش قدرتمند خیزش انقلابی زنانه در ایران است. این خصوصیات به سنت سوسیالیستی ۸ مارس تعلق دارد. امروز راه حل سوسیالیستی مسئله زن به راه حل سوسیالیستی نجات جامعه ایران گره خورده است. زنان و مردان جوان که با گلوله سرکوبگران یا تحت شکنجه در زندانها جانباختند، صفی از دهها میلیون انقلابی اند که از اسلام و آخوند این منادیان فقر و تبعیض بیزارند و آمده اند تا به کابوس حکومت اسلامی پایان دهند. هیچ سازشی ممکن نیست، هیچ راه برگشتی وجود ندارد، جمهوری اسلامی باید برود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است. سیاست حزب حکمتیست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهائی از سلطه اسلام سیاسی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست روز زن را به زنان و مردان برابری طلب جهان تیریک میگوید. فراخوان ما به جنبش حقوق زن در کشورهای مختلف اینست که روز ۸ مارس ۲۰۲۳ را با ابتکارات مختلف به روز همبستگی با خیزش انقلابی در ایران و هزاران زن و مرد اسیر در زندانها تبدیل کنیم. ما برای یک برابری سوسیالیستی قرن بیست و یکمی مبارزه می کنیم. این پرچم را همه جا برافرازید.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه ایران را در روز جهانی زن به اعتراض عمومی علیه حکومت اسلامی با شعار محوری

**آزادی زن معیار آزادی جامعه است!**



حکومت‌های مرتجع منطقه چشم امید دوخته‌اند، تا همان رسالتی را به عهده بگیرند، که فاشیست‌های صرب و کروات و گریلاهای کووسوو، طالبان و داعش و مجاهدین افغانستان، ناسیونالیست‌های کردستان عراق، انتحاریهای اسلامی و جیش المهدی مقتدی صدر به عهده گرفته‌اند. مشاهده اوضاع در این کشورها و اینکه بسرعت جنگ قومی را به خانه‌های همسایه و فامیل‌های کشاندند که

سالیان متمادی و بدون مشکل در کنار هم زندگی میکردند، سد کردن امکان تحقق چنین سناریویی در تحولات آتی ایران را از هر جریان و فردی که انسانیت و مدنیت جامعه نزد وی ارزش دارد ضروری میکند. طرح فدرالیسم لازمست در نطفه خفه شود، و در همان شروع دفن گردد.

#### سابقه مسئله

سابقه طرح فدرالیسم و "ایران فدراتیو" البته به سال‌های اخیر برمیگردد که برخی جریان‌ات بورژوا- ملی در اپوزیسیون به منظور بندوبست‌های قابل پیش‌بینی با هم و جریان‌ات حاشیه‌ای و فرصت طلب آن را دم گرفتند و آن را گامی در جهت "عدم تمرکز قدرت" و "دموکراتیزه" کردن سیستم اداری کشور قلمداد نمودند. حزب و جریان ما (کمونیسم کارگری) همانموقع طی بیانیه‌ای هشدار داد که: "شعار فدرالیسم در ایران نه فقط متضمن گسترش آزادیهای سیاسی و مدنی مردم نیست بلکه برعکس یک شعار عمیقاً ارتجاعی، ضد مردمی و ضد کارگریست که علاوه بر عقب‌گرد‌های سیاسی و فکری و فرهنگی تعیین‌کننده‌ای که به جامعه تحمیل میکند، میتواند آغازگر یکی از خونین‌ترین و مشقت‌بارترین دوره‌ها در تاریخ معاصر جامعه ایران باشد. خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق‌العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و تراشیدن هویت‌های ملی و قومی کاذب برای مردم و صدور شناسنامه‌های قومی برای میلیون‌ها انسانی است که در ایران زندگی و کار میکنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و برجسته کردن قومگرایی و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم برحسب برچسب‌های ملی و قومی، پاکسازی‌های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجعترین احزاب و افراد برای مناطق مختلف و به عقب راندن جنبشها و نیروهایی است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیر قومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش میکنند. شعار فدرالیسم نسخه‌ای برای ایجاد عمیقترین شکافها و تفرقه‌های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم ضدکارگری و ضد سوسیالیستی است."

اما آنچه ملی‌گرایان و فدرالیستها تبلیغ میکنند، بیشتر پروپاگاندی در خدمت مشروع جلوه دادن فدرالیسم است. در خدمت ایده‌آلیزه کردن آن. با اینکار جوهر اصلی فدرالیسم، که انسانها را بر اساس هویت قومی و ملی دسته‌بندی کرده، نزاع و اختلاف را و کینه و دشمنی پوچ را

## فدرالیسم:

### نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه

رحمان حسین زاده

**توضیح ضروری:** دو هفته قبل در مطلبی نوشتم، ضروریست جامعه را نسبت به مخاطرات مطرح کردن شعار "تمامیت ارضی" و علم کردن "خطر تجزیه طلبی" از جانب ناسیونالیسم ایرانی و "فدرالیسم" ناسیونالیست‌های محلی و کرد آگاه و آماده کرد. نقطه عزیمت هر دو ترند ناسیونالیستی که مداوماً در فکر بند و بست و معامله باهمند، مقابله کردن با شرایط انقلابی فضای سیاسی ایران است. اینها میخواهند در تقابل با فضای انقلابی جاری، فضای سیاسی را ناسیونالیزه و آلوده کنند. نباید گذاشت در این حرکت ارتجاعی موفق شوند. در آن نوشته تاکید کردم، در یک ماهه اخیر ابتدا رضا پهلوی به نیابت از ناسیونالیسم عظمت طلب ایران و مشروطه خواهان با فرمول "حفظ تمامیت ارضی" و علم کردن بی پایه "تجزیه طلبی" به سبک "دایی جان ناپلئونی" در حال رژه و جنگ با "تجزیه طلبان" است. مشروطه خواهان و پهلوی چپها برای به فروش رساندن کالای بنجل ناسیونالیستی خود دنبال "تجزیه طلب" میگردند. شعار و فرمول "تمامیت ارضی" و علم کردن بیهوده "تجزیه طلبان" در تاریخ صد ساله ایران پرچم و پلاتفرم ناسیونال شوونیسم ایرانی در راستای تحمیل و تثبیت حاکمیت استثمارگرانه و ستمگرانه بورژوازی عظمت طلب بوده و به جوانب آن پرداختیم. روی دیگر سکه و به همان اندازه ارتجاعی طرح "فدرالیسم" ناسیونالیست‌های محلی به ویژه در کردستان است. فدرالیستها با حق به جانبی بیشتر و "مظلوم نمایی" وارونه و ادعای دروغین "کسب حقوق ملت تحت ستم" تفرقه و تعصبات ملی و قومی پرمخاطره‌ای را دامن میزنند. نوشته "فدرالیسم: نسخه تباهی جامعه" که در دو بخش ارائه میشود، پایه‌های سیاسی و کارکرد عملی طرح عقب مانده فدرالیسم را بررسی و افشاء میکند.

#### فدرالیسم: نسخه تباهی جامعه

فدرالیسم خواست توده مردم نیست و در خیزش انقلابی ماههای اخیر هم مطرح نبوده است. اما این واقعیت ما را مجاز نمیکند که حساسیت لازم را در مورد باد زدن این مسئله از جانب گروههای غیر مسئول و فدرالیست از خود نشان ندهیم. طرح فدرالیسم به خرافه ناسیونالیسم و ملی‌گرایی متکی است. ویروس فدرالیسم هرچند غیر فعال و مرده، در این فضا و در این بستر و به ضرب مهندسی افکار، با یاری رسانه‌های با "شرفی" چون ایران اینترنشنال و بی بی سی و امثالهم میتواند فعال شود. نمونه‌های خطرناک آن را در یوگوسلاوی و جمهوریهای سابق شوروی، در افغانستان دیدیم و امروز در عراق تجربه میکنیم. اتفاقاً این تجارب تلخ بشریت معاصر مشوق ناسیونالیست‌های دو آتشه‌ایست که سرسوزنی به مدنیت جامعه ربطی ندارند. اینها به پول و اسلحه و حمایت آمریکا و دولتهای اروپایی و

## فدرالیسم:

### نسخه جنگ و خونریزی و تباهی جامعه ...

دامن زده و آن را به سطح جنگ و کشمکش میکشانند، پردهپوشی میکنند. اینها با عوامفریبی میخواهند در چشم مردم خاک بپاشند. لازمست استدلالات فدرالیستها را شکافت و نقد کرد و کنار گذاشت.

#### ۱- مقوله "ملل و ملیتهای" مختلف

استدلال اول و کلیدی فدرالیستها اشاره به "ملیتهای و ملل" گوناگون جامعه ایران است. پیش فرض این طرز فکر و استدلال مقوله "ملت و تعلق ملی" است. اینجا باید پرسید "ملت و تعلق ملی" یعنی چه؟ آیا واقعا "ملت و تعلق ملی" بخش لایتجزاء و داده شده حیات اجتماعی و ذات انسانی از روز اول حیات و زندگی انسان است؟ روشن است که اینطور نیست. به عنوان یک مشاهده اجتماعی در ایران، همه ما روز تولد، دوران کوکی و حتی نوجوانی اصلا تعلق ملی و مذهبی و غیره را احساس نکرده ایم. بعد از اینکه پا به سن معینی گذاشته میشود، در دنیای موجود بعضا از همان محیط پیرامونی و اساسا در جامعه، در مدرسه و محیط کار و زیست شروع میکنند، تحت نام ایرانی، کرد، فارس، عرب و غیره خرافه‌های را در ذهن انسانها شکل میدهند. یکی بر حسب تصادف در تهران متولد شده و مارک "فارس و ایرانی" را بر پیشانی‌اش چسپانده‌اند. در صورتی‌که همان فرد اگر در آنکارا متولد میشد، مارک "ترکی" را بر پیشانی‌اش می‌چسپانند. بر این اساس بر تعصبات و تعلق ملی سرمایه‌گذاری میکنند و این پدیده خرافی را به هویت مفروض و داده شده هر فرد تبدیل میکنند. در حقیقت قضیه بسیار ساختگی و دلخواهی است و این خرافه‌ایست که جامعه طبقاتی و ناسیونالیسم تولید میکند. درست همانند مذهب، که هیچ کدام از انسانها در بدو تولد و تا چند سالگی مذهبی نبوده‌اند، بلکه مذهب را بر آنها تحمیل میکنند. هویت ملی هم همانند هویت مذهبی ساختگی و تحمیلی و ارتجاعی است.

واقعیت اینست "هویت ملی و ملت سازی" دست ساز ناسیونالیسم و جنبش ناسیونالیستی است. با اینکار خرافه‌ای را بر مردم تحمیل کرده‌اند و آزادیخواهان و کمونیستها وظیفه دارند این خرافه را افشا و منزوی کنند و هویت انسانی آدمها را از زیر این خرافه بیرون بکشند. نقطه عزیمت ما هویت انسانی و منافع انسانی است. این راه آزادی و سعادت و برابری انسانها است. و با اینکار تعلق ملی کنار زده میشود. بر این اساس باد زدن "ملل مختلف" و فدرالیسم به عنوان رامحل آن بی‌پایه است.

#### ۲- "کثیرالملله" بودن جامعه ایران:

با فرض گرفتن "ملل مختلف" ایران، ناسیونالیستها و ملی‌گرایان به تئوری "ایران کثیرالملله" میرسند. طبعا هر جنبش و حزب سیاسی از درجه منافع اقتصادی، سیاسی خاص خود تعبیر و فرمولهای خود را برای تعریف جامعه دارد. "کثیرالملله" نامیدن جامعه ایران از جمله تعاریف ناسیونالیستی از جامعه ایران است. همچنانکه اشاره شد، مبنای اینها دست‌بندی قومی و ملی و بر این اساس ایجاد نابرابری و تبعیض و دشمنی در میان انسانها است. فرمول "کثیرالملله" دقیقا فرمولی

ساختگی برای ایجاد تفرقه و نزاعهای ملی و قومی و مبنایی برای همان فدرالیسم است. این پرچم سیاسی است در دست ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیست تا تحت نام "منافع قوم و ملت" خود به نان و نوایی برسند. اینکه در بین مردم ایران، تفاوت زبانی هست و زبان و لهجه‌های مختلف هست، اینکه متاسفانه هویت‌های کاذب قومی و ملی را در میان بخشهایی از جامعه باد زده‌اند و دولتهای مرتجع مرکزی بر این اساس تبعیض را جاری کرده‌اند، نمیتواند و نباید موجبی برای تفرقه، کشمکش، دودستگی و چنددستگی در میان مردم و دشمنی کردن آنها با هم باشد. اگر مسئله زبان و تفاوت زبانی است راه حل ساده دارد. ما گفته‌ایم مردم هر بخش از ایران حق دارند با آموزش زبان محلی خود، مکاتبه، مراد، کار اداری، و همه امور خود را پیش ببرند، اگر مسئله رفع تبعیض و تحقیر موجود به بهانه هویت "ملی" است، قطعاً باید پایان داده شود و شهروندان جامعه باید متساوی‌الحقوق باشند. کشور ایران میتواند محل کار و زندگی همه ساکنین ایران فارغ از دسته بندی نژاد، قوم، و ملت و جنسیت و تفاوت زبان و غیره باشد. میتواند محل کار و زندگی انسانهای برابر و آزاد باشد. اینکه الان چنین نیست، علتش طبقاتی بودن جامعه و تقسیم اجتماع به استثمارگران سرمایه دار و استثمار شونده‌گان کارگر و مزدگیران و مردم تحت فشار و ستم است. ناسیونالیسم و ملت سازی و "کثیرالملله" نامیدن همگی روپوش ایدئولوژیک و سیاسی همین مناسبات ظالمانه طبقاتی و دسته بندی کاذب انسانها است. این روپوش را باید کنار زد.

اتفاقا سرمایه داران برای توجیه موقعیت بالا دست خود، تفرقه و دو دستگی و چنددستگی میان مردم را از جمله تحت نام "ملت و منافع ملی" و "کثیرالملله" ایجاد کرده‌اند. و الا چه کسی است که نداند سرمایه داران فارس و کرد و ترک زبان دست در دست هم و همسرنوشتند. با ایجاد حکومت خود، خون مردم را در شیشه کرده‌اند. برای مثال چه کسی نمیداند در طول حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی بخش عمده سرمایه داران "فارس زبان" و سرمایه دار "کرد زبان" هر دو حافظ حکومت اسلامی و مجلس و دم و دستگاه آن بوده‌اند. در مقابل کارگر و مردم زحمتکش از چهار گوشه ایران مثل هم تحت فشار و استثمارند و بارها در مبارزات از جمله در پنج ماهه اخیر در همبستگی بی نظیری در کنار هم بوده و همسرنوشتند. ما کمونیستها در کنار این مردم کارگر و زحمتکش تحت فشار و ستم هستیم و پرچم سیاسی رهایی آنها را پرچم آزادی و برابری را برافراشته‌ایم و ناسیونالیسم هم با "کثیرالملله" نامیدن کشور ایران پرچم سیاسی ناسیونالیستی و ایجاد تفرقه و دشمنی در میان مردم را برافراشته‌اند. به دلایلی که گفتیم "کثیرالملله" خواندن ایران مضر است و آن را رد کرده و این پایه فکری فدرالیستها را باید افشا کرد.

ادامه دارد ...

\*\*\*

## به حزب کمونیست کارگری

## ایران - حکمتیست کمک مالی کنید!

## در یک نگاه

## جنگ ارتجاع امپریالیستی در اوکراین یکساله شد

رحمان حسین زاده

امروز بیست و چهارم فوریه ۲۰۲۳ درست یکسال از هجوم نظامی ارتش روسیه به اوکراین و آغاز جنگ ویرانگر و پر رنج و درد برای مردم اوکراین و روسیه و سراسر جهان گذشت. رجزخوانیهای سه روز قبل پوتین و بایدن در مقابل هم به عنوان دو سرکرده جنایتکار دو قدرت امپریالیستی ضد مردم و در رأس دو قطب متخاصم جنگ در حال جریان و تصمیم آنها به ادامه این جنگ ارتجاعی به قیمت تحمیل تباهی بیشتر به مردم در اوکراین و روسیه و جهان و خطر تبدیل آن به جنگ بزرگتر، واقعیتهای تلخی را برجسته کرد، که ما به سهم خود در آغاز این جنگ و مشخصا در سند سیاسی "تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز" اینچنین اعلام کرده بودیم:

"جنگ در اوکراین یک حلقه انفجاری از کشمکش و تقابل ادامه دار قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی است. جغرافیای اوکراین صحنه مستقیم وقوع جنگ است، اما در دو سوی این تراژدی همه قدرتهای بزرگ امپریالیستی به نحوی از انحاء صف آرایی کرده اند. از یک سو هیئت حاکمه روسیه با هدف احیای قدرت جهانی از دست رفته به دنبال فروپاشی شوروی و در سوی مقابل هیئت حاکمه آمریکا و ناتو به بهانه حمایت از دولت دست راستی پروغرب اوکراین، به منظور احیای سرکردگی جهانی از دست رفته صف آرایی کرده اند. پشت صحنه صف بندی دولتها و ارتشهای آنها ما شاهد عرض اندام جنبشهای بورژوایی و ناسیونالیستی ضد کارگر و ضد آزادیخواهی هستیم. ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه ناراضی از موقعیت جهانی کنونی خود، کل هیئت حاکمه روسیه و پوتین را به جلو صحنه جنگ در اوکراین رانده است. در جبهه مقابل ائتلاف جنبش دست راستی بورژوا پروغربی و بخشا فاشیستی در اوکراین مدافع ادغام در اتحادیه اروپا و پیوستن به ناتو و به علاوه عظمت طلبی جهانی امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی متکی به افسار گسیختگی اقتصاد بازار صف آرایی کرده اند. این جنگ به وضوح پیامدهای فاجعه بار و مهیبی را علیه کارگران و مردم در روسیه و اوکراین و سراسر جهان بیار آورده است. این جنگ از هر دو سو ارتجاعی و ضد کارگری و علیه بشریت است و توقف فوری آن خواست عمیق و گسترده توده کارگر و مردم بشریت مترقی است.

طبقه کارگر در روسیه و اوکراین نقطه مقابل منافع خود، بدون اینکه هیچ نقشی در راه اندازی و یا توقف آن داشته باشند، درگیر این جنگ اند. این جنگ و همه جنگهای امپریالیستی و ارتجاعی بر دوش طبقه کارگر سازماندهی شده است. تولید سرمایه و امکانات و پول و ابزار و آلات جنگی مورد نیاز قدرتها و دولتهای جنگ طلب و فاجعه بارتر از

آنها تامین نیروی انسانی لشکرهای جنگی را عمدتا طبقه کارگر تامین میکند. این محصول دردناک و ارونکی نظم موجود و طبقه کارگر به اسارت درآمده توسط ایدئولوژی و سیاست و کارکرد گرایش بورژوایی و در رأس آنها افق و سیاست ناسیونالیستی زیر لوای "ملت و هویت ملی و منافع ملی" است. تا زمانی که طبقه کارگر در روسیه و اوکراین و هر جای جهان خود را از زیر بار ایدئولوژیها و سیاستهای خرافی و به ویژه ملی گرایی و ناسیونالیسم رها نکند، طبقه کارگر به سیاهی لشکر جنگ قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی و ضد کارگر تبدیل میشوند. طبقه کارگر تنها با اتکا به سیاست سوسیالیستی، با نقد و دور انداختن طوق ملی گرایی و هویت ملی و طرد لشکر نظامی بورژوازی خودی و پافشاری بر هویت انسانی میتواند، خود را از زیر بار جنگ فاجعه بار سرمایه داران رها کند."

به نقل از سند "تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز

مطالعه این سند را که در همین شماره نشریه کمونیست هفتگی مجدداً منتشر شده، توصیه میکنم.

۲۴ فوریه ۲۰۲۳

\*\*\*

## بیانیه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

## جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز

۱- جهان دستخوش تحولات شگرف و بزرگی است. نظم کاپیتالیستی سراپا تبعیض و استثمار و جنگ و ناامنی و رقابت دوره گذار خطرناکی را طی میکند. بازتعریف چهارچوبهای اساسی نظم جهانی کنونی شکل گیری ائتلافهای گوناگون اقتصادی، سیاسی توسط بلوک های قدرتمند مانند بریکس، پیمان شانگهای، جنگ در اوکراین و کشمکش قدرتهای کاپیتالیستی آمریکا و چین بر سر مناقشه تایوان و خطر جنگی بزرگ، میلیاردها انسان روی کره زمین را در نگرانی عمیق فروبرده است.

۲- ایدئولوگها و مفسران مصلحت گراوخم اندیش بورژوایی تغییر سیمای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان و تحولات بزرگ و خطرناک در حال جریان را محصول جنگ در اوکراین معرفی میکنند، قضیه بر عکس است، خود این جنگ و پیامدهای آن محصول تغییرمعادلات قدرتهای بزرگ جهانی سرمایه داری بعد از فروپاشی بلوک شرق است. در عین حال این جنگ و کشمکش قدرتهای بزرگ سرمایه داری همانند همه موارد مشابه در تاریخ همواره در خدمت به حاشیه راندن جنگ پایه ای و اجتناب ناپذیر طبقاتی گاه نهان و اکنون عمدتا آشکاره وسعت دنیا است. بورژوازی جهانی میخواهد جهان چند قطبی کاپیتالیستی سیال و بی ثبات را به بشریت تحمیل کند، تا جهان دو قطبی ریشه دار، چهره دو قطب طبقاتی متمایز و متقابل بورژوازی و پرولتاریا و متحدانشان در اقصی نقاط دنیا را به حاشیه براند. به حکم شرایط عینی پایدار جدال طبقاتی و اجتماعی جاری در اینکار موفق نخواهند شد.

صفحه ۹

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، برریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسیم امروز ...

بورژوازی و هم پیمانان آنان در سطح جهانی و منطقه ای و محلی هر کدام یک طرف این جدالند و در پیشبرد سناریوی بی ثباتی و اغتشاش علیه بشریت شرکت دارند. حکومت بورژوا امپریالیستی چین اساساً متکی به کارآرزان طبقه کارگر قطب در حال صعود اقتصادی قرن بیست و یکم است که پا به صحنه این رقابت بویژه در عرصه اقتصادی گذاشته و چشم انداز و ادعای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را دارد. کشمکش و تقابل دولتهای آمریکا و چین محور تقابل قدرتهای کاپیتالیستی این دوران و آینده جهان را ترسیم میکند. روسیه تحت هدایت پوتین ناتوان از رقابت اقتصادی موثر در سطح جهانی و متکی به قدرت نظامی، از جمله با وارد شدن در جنگ اوکراین سهم بیشتری را در باز تعریف معادلات جهانی می‌خواهد. سهم خواهی ائتلاف روسیه و چین در مقابل امپریالیسم آمریکا و مؤتلفین اروپایی اش و کانادا، ژاپن و استرالیا جهان را در مسیر جنگهای امپریالیستی بیشتر سوق میدهد.

۷- رقابتهای مخرب قدرتهای جهانی برای سهم بری و کسب هژمونی در جهان چند قطبی که امکان تبدیل شدن به نظم باتبات جهانی را نخواهد داشت، همانند اثرات مصیبت بار جهان دو قطبی و سپس تک قطبی سپری شده، از خلال جنگ ها و مانورهای مشترک نظامی و بند و بست های آنان با دولتهای ارتجاعی هم پیمان خود در مناطق مختلف و تهدید به بکارگیری احتمالی بمب هسته ای، مانند شمشیر داموکلس روی سر مردم جهان قرار داده اند، که بر خلاف تبلیغات دروغین ایدئولوگهای بورژوازی نه تنها دنیا را به طرف "صلح و ثبات" نمیرسد، بلکه گسترش نامنی، میلیتاریسم و جنگ، تروریسم دولتی و غیر دولتی، فقر و تبعیض و گسترش جاهلانه ترین افکار و سیاستهای افراطی همچون راسیسم و فاشیسم و نژاد پرستی و خرافه های ملی و مذهبی را به همراه دارد.

۸- جنگ در اوکراین یک حلقه انفجاری از کشمکش و تقابل ادامه دار قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی است. جغرافیای اوکراین صحنه مستقیم وقوع جنگ است، اما در دو سوی این تراژدی همه قدرتهای بزرگ امپریالیستی به نحوی از انحاء صف آرایی کرده اند. از یک سو هیئت حاکمه روسیه با هدف احیای قدرت جهانی از دست رفته به دنبال فروپاشی شوروی و در سوی مقابل هیئت حاکمه آمریکا و ناتو به بهانه حمایت از دولت دست راستی پروغرب اوکراین، به منظور احیای سرکردگی جهانی از دست رفته صف آرایی کرده اند. پشت صحنه صف بندی دولتها و ارتشهای آنها ما شاهد عرض اندام جنبشهای بورژوازی و ناسیونالیستی ضد کارگر و ضد آزادیخواهی هستیم. ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه ناراضی از موقعیت جهانی کنونی خود، کل هیئت حاکمه روسیه و پوتین را به جلو صحنه جنگ در اوکراین رانده است. در جبهه مقابل ائتلاف جنبش دست راستی بورژوا پروغربی و بخشا فاشیستی در اوکراین مدافع ادغام در اتحادیه اروپا و پیوستن به ناتو و به علاوه عظمت طلبی جهانی امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی متکی به افسار گسیختگی اقتصاد بازار صف آرایی کرده اند. این جنگ به وضوح پیامدهای فاجعه بار و مهیبی را علیه کارگران و مردم در روسیه و اوکراین و سراسر جهان ببار آورده است. این جنگ از هر دو سو ارتجاعی و ضد کارگری و علیه بشریت است و توقف فوری آن خواست عمیق و گسترده توده کارگر و مردم و بشریت

صفحه ۱۰

۳- وقتی که در عصر فراوانی و پیشرفت سرسام آور صنعت و تکنولوژی و جهانی شدن سرمایه، دو قطبی حاد فقر و ثروت، گسترده تر و عمیق تر میشود، وقتی که تحمیل دایمی فقر میلیاری از سویی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست اقلیت معدود سرمایه داران متکی به دولت و کل ابزارهای سرکوب و سلب اراده از مردم از سوی دیگر، زندگی میلیاردها شهروند کره زمین را مداوماً به سمت نابودی میکشاند، تشدید جدال طبقاتی و سیاسی اجتناب ناپذیر است. از منظر طبقه کارگر و مردم تحت ستم، از منظر کمونیسیم کارگری عرصه اصلی جنگ و نبرد طبقاتی و سیاسی علیه بورژوازی و دولتها و قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی همین جا است. ما کمونیستها در این جدال حضور داریم و خط مشی سیاسی، پراتیکی مان را از اینجا استنتاج میکنیم. تعیین تکلیف قطعی با بورژوازی کار طبقه کارگر در سطح بین المللی و در هر کشور است. این رسالت، اکنون عاجلتر از هر دوره ای برجسته شده است. نظم استثمار و کارمزدی، نظم جنگ و تروریسم و ناامنی سرمایه را باید ساقط کرد.

۴- شروع جنگ در اوکراین پاسخی به معادلات از قبل در حال تغییر جهان معاصر است، و تاکنون صف آرایی و رقابت و تنش قدرتهای امپریالیستی را به نقطه خطرناکی سوق داده است. با توجیه ایدئولوژیکی و بی پایه "منافع و مصالح ملی" رقابت فزاینده و خطرناک قدرتهای بزرگ سرمایه داری اساساً برسراقتصاد و کسب سودورزی نجومی و سیری ناپذیر حل و فصل میشود. هر کدام به منظور دست بالا پیدا کردن در حوزه اقتصاد و سهم بری بیشتر از اقتصاد جهانی و در واقع تصرف بیشتر ارزش اضافه حاصل کار طبقه کارگر تلاش میکنند. این رقابت اقتصادی استثمارگرانه به عرصه تجاری و سیاسی و دیپلماتیک و معاملات بند و بست و کشمکشها و جنگهای خطرناک سوق پیدا میکند. بر این اساس برای روسیه و متحدانش به مصاف طلبیدن نظم جهانی مورد نظر آمریکا و تعیین تکلیف مسائل ژئوپولیتیک و امنیتی موضوعیت جدی دارد.

۵- در آغاز دهه آخر قرن بیستم، نظم تک قطبی ادعایی آمریکا و طرح "نظم نوین جهانی" به منظور تحمیل و تثبیت هژمونی اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بعد از فروپاشی بلوک شرق برای مدت کوتاهی بر جهان تحمیل و اما تثبیت نشد. افول موقعیت اقتصادی و سیاسی آمریکا در دو دهه اخیر و سپس شکست استراتژی برتری طلبی نظامی آمریکا که با عقب نشینی از افغانستان و عراق و خاورمیانه قطعیت پیدا کرد، در عین حال قطبهای کاپیتالیستی بزرگ جهانی درگیر در این کشمکش را در پیمانها و اتحادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جدید و در حال گسترش به میدان آورده است. دنیای سرمایه‌داری بسوی یک تجدید نظر تمام و کمال در آرایش اقتصادی و روبنای سیاسی، اداری و فرهنگی خود پیش میرود. دوره تاریخی جدید نه دوره ثبات و نظم و روشنی، بلکه دوره بی‌ثباتی، اغتشاش و ابهام است.

۶- آمریکا، چین، روسیه، اروپای واحد، ژاپن، هند و بعضی از دولتهای

**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!**

کشورهای استبداد زده و متکی به کار ارزان، بلکه در آمریکا و اروپای صنعتی و پیشرفته، نیز به عمیق تر شدن هرچه بیشتر شکاف و فاصله طبقاتی مابین فقر و ثروت و بر بستر آن دامن زدن به فاصله عمیق طبقاتی، شکل دادن به شکافهای ملی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و تقویت راسیسم و فاشیسم و مذهب منجر شده است.

۱۲ - بر این بستر و در نتیجه عقبگردهای تحمیلی بورژوازی، رشد راست افراطی و خطر فاشیسم بیش از پیش زمینه پیدا کرده است. این ترند در کشورهای غرب عموماً بعنوان "سوپاپ اطمینان" راست در قدرت عمل میکند. مردم را مجبور میکنند از ترس راست افراطی به انتخاب راست غیر افراطی رأی بدهند. عروج راست افراطی و فاشیسم قبل از هر جا در آمریکا و اروپا به عنوان کشورهای و قدرتهای پیشرفته صنعتی متکی به "دمکراسی پارلمانی" و تأثیرگذار بر جهان معاصر، محصول سیاستهای بورژوازی است. تأثیرات این پدیده را در چهار دهه اخیر در گرایش به قدرت گیری بیش از پیش سیاستهای راست ترین جناحهای بورژوازی در پروسه های ظاهراً "مقبولیت" یافته پارلمانی و "انتخاباتی" در کشورهای غربی، شاهدیم. دمکراسی از مجرای "انتخابات"، فاشیستها را بقدرت میرساند. هیتلر هم با انتخابات سرکار آمد.

۱۳ - فجایع انسانی انبوه که سالانه میلیونها انسان را به کام مرگ میکشد، مستقیماً زاده کارکرد سرمایه داری و نظم متکی به استثمار انسان به دست انسان است. فقر مطلق و گرسنگی به نحوی که طبق همین آمارهای سازمان ملل شان سالانه فقط دو میلیون کودک از گرسنگی و تامین نان خشک جان میسپارند. به علاوه در زمینه های مورد اشاره زیر، بشریت با تباهی و نابودی روبرو است.

الف: **سلامت و بهداشت:** سودپرستی سرمایه در عرصه سلامت و بهداشت و پزشکی و ترجیح آن بر حیات انسان از حقایق تلخ نظم وارونه کنونی و یک تهدید علیه حقوق بدیهی و زندگی بشر امروز است. این واقعه تلخ را در جریان شیوع ویروس کرونا و ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ دنیا تجربه کرد.

ب- **محیط زیست:** معضل زیست محیطی، و اثرات مخربی که بر همه وجوه حیات در کره زمین گذاشته حاصل کارکرد سرمایه در خدمت کسب سود است. تا این کارکرد هست، تخریب محیط زیست هم ادامه خواهد یافت. یکی از عوارض مخرب جنگ در اوکراین بایگانی شدن آن اندک تعهداتی بود که قدرتهای سرمایه داری در کنفرانس پاریس و نشست Cop26 در اسکاتلند به آن متعهد شده بودند. حفظ محیط زیست سالم هم در گرو تعیین تکلیف قطعی با عملکرد نظم وارونه سرمایه است. تغییرات زیست محیطی حاصل کارکرد سرمایه و افزایش گازهای گلخانه ای و بالا آمدن سطح دریاها نیز به فاجعه مهاجرت دامن زده است.

ج- **مهاجرت و آوارگی:** میلیونی هر ساله حاصل فقر و گرسنگی و جنگ و ناامنی روزمره مستقیماً توسط نظم سرمایه داری حاکم به بشریت تحمیل شده است. پدیده دردناکی که سالانه زندگی و جان هزاران انسان را در جهان به کام خود فرو میبرد. دیوارکشی و بستن مرزها توسط قدرتها و دولتهای بزرگ کاپیتالیستی مسبب این اوضاع بر روی مهاجران از آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین و جنوبی بر ابعاد تکان دهنده این فاجعه انسانی افزوده است

## تزه های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسیم امروز...

مترقی است.

۹- طبقه کارگر در روسیه و اوکراین نقطه مقابل منافع خود، بدون اینکه هیچ نقشی در راه اندازی و یا توقف آن داشته باشند، درگیر این جنگ اند. این جنگ و همه جنگهای امپریالیستی و ارتجاعی بر دوش طبقه کارگر سازماندهی شده است. تولید سرمایه و امکانات و پول و ابزار و آلات جنگی مورد نیاز قدرتها و دولتهای جنگ طلب و فاجعه بارتر از آنها تامین نیروی انسانی لشکرهای جنگی را عمدتاً طبقه کارگرتامین میکند. این محصول دردناک و ارونکی نظم موجود و طبقه کارگر به اسارت درآمده توسط ایدئولوژی و سیاست و کارکرد گرایشات بورژوازی و در رأس آنها افق و سیاست ناسیونالیستی زیر لوای "ملت و هویت ملی و منافع ملی" است. تا زمانی که طبقه کارگر در روسیه و اوکراین و هر جای جهان خود را از زیر بار ایدئولوژیها و سیاستهای خرافی و به ویژه ملی گرایی و ناسیونالیسم رها نکند، طبقه کارگر به سیاهی لشکر جنگ قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی و ضد کارگر تبدیل میشوند. طبقه کارگر تنها با اتکا به سیاست سوسیالیستی، با نقد و دور انداختن طوق ملی گرایی و هویت ملی و طرد لشکر نظامی بورژوازی خودی و پافشاری بر هویت انسانی میتواند، خود را از زیر بار جنگ فاجعه بار سرمایه داران رها کند.

۱۰- فراتر از معضل جنگ در اوکراین، خطر وقوع جنگهای امپریالیستی بیشتر در جهان وجود دارد. تداوم رقابت شدید غولهای اقتصادی دنیا، انعکاس بلاواسطه آن در کشمکش سیاسی و تجاری و دیپلماتیک و بن بستهای موجود، که مناقشه موجود بر سر تایوان یک نمونه برجسته آنست، مضافاً وجود کانونهای بحرانی انباشته از معضلات قدیم و جدید به ویژه در خاورمیانه، خطر جنگ جهانی را به جلو صحنه رانده است. سودورزی سیری ناپذیر سرمایه امپریالیستی و رقابت فزاینده بر سر آن، چنین کارکرد ویرانگری را در مقابل بشریت قرار داده است. تنها نیروی سد کننده چنین کابوسی طبقه کارگر آگاه و بشریت مترقی رها یافته از افق و سیاست و مفروضات بورژوازی و متکی به راه حل آزادیخواهانه و سوسیالیستی است، که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رقابت ویرانگر بر سر انباشت سرمایه به دست اقلیت استثمارگر سرمایه دار و قدرتها و دولتهای سرمایه داری را از دست آنها بگیرد.

۱۱- استثمارگری خشن سرمایه داری جهانی و معاصر نقشی برای اندک مانورهای جناح چپ ناسیونال رفرمیسم بورژوازی، آنچه تاریخاً زیر نام "سوسیال دمکراسی و سوسیالیسم بورژوازی" شناخته شده بود، باقی نگذاشته است. در چهار دهه اخیر در همه کشورهای سرمایه داری تفوق افق و سیاست و کارکرد جناح دست راستی بورژوازی و سترونی جناح چپ بورژوازی را شاهدیم. این روند با عروج ریگانیسم و تاچریسم و دست بالا پیدا کردن اقتصاد بازار آزاد و تعرض وسیع و شنیع به معیشت و سلامت و بهداشت طبقه کارگر و همه دستاوردهای این طبقه در سطح جهانی و کشوری و محلی رقم خورد. هم اکنون راست ترین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی بورژوازی حتی آنجا که ظاهراً بازمانده های سوسیال دمکراسی و احزاب شبهه سوسیالیست میانه در قدرت هستند، بر شرایط زندگی و کار طبقه کارگر و مردم محروم حاکم است. نه فقط در

## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز...

#### ۱۴- دو راهی بربریت یا سوسیالیسم: مصافهای کمونیسم امروز

سرمایه داری جهانی با گسترش خود به اقصی نقاط دنیا، فقر شدید و انبوه، تبعیض و نابرابری، تروریسم و جنگ و ناامنی و استثمار انسان به دست انسان را به اوج تباهی رسانده است. برآستی دنیا بر دوراهی سوسیالیسم و یا بربریت قرار گرفته است. ورق را باید برگرداند. این دستور کار کمونیسم مارکسی و کمونیسم کارگری معاصر برای تعیین تکلیف با بورژوازی در هر کشور و در سطح بین المللی است. مصافهای کمونیسم امروز از اینجا استنتاج میشود. بر این اساس:

الف: بیش از پیش دوره سازماندهی و احیای تعرض کمونیستی کارگری ماکسیمالیست به کل پایه‌ها و بنیادها و ایدئولوژی و افکار و ساختارها و دولتهای سرمایه داری است. برخلاف تمامی نقدهای نیم بند چپ نقد و تعرض کمونیستی نمیتواند و نباید به خصولتهای روبنایی و مقطعی و تاکتیکی نظم سرمایه محدود شود. نقد و تعرض کمونیستی ما دست به ریشه میبرد، لغو کار مزدی و امحای استثمار و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل سرمایه را در دستور کار دارد.

ب- گردآوری نیروی طبقه کارگر خودآگاه، متحد و سازمانیافته به منظور سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری مصاف فوری کمونیستها و یگانه راه رهایی بشریت از فجایع نظم سرمایه است.

ج- نبرد بی امان علیه ملی گرایی و هویت ملی و ناسیونالیسم که در این دوران یک بار دیگر زیر لوای "منافع و مصلحت ملی" نه تنها جنگهای ویرانگر راه اندازی میشود، بلکه شنیع ترین نوع تعصبات و تعرض به حقوق اولیه انسان توجیه میشود. یک شرط اساسی رهایی طبقه کارگر و بشریت از انقیاد کاپیتالیسم به حاشیه راندن "طوق هویت ملی و ملی گرایی دست ساز ناسیونالیسم" و برملا کردن محتوای طبقاتی خرافه "منافع ملی" به مثابه منافع طبقه حاکمه بورژوازی که ریاکارانه در زوررق "منافع عموم" به جامعه تحمیل میکنند.

د- پیشبرد سیاست کارگری و کمونیستی علیه جنگهای ضد کارگری و ضد مردمی مستقیم و یا نیابتی جاری قدرتهای امپریالیستی و دولتهای سرمایه داری، پافشاری بر این واقعیت که طبقه کارگر به نیروی ذخیره جنگ بورژوازی نباید تبدیل شود.

۱۵- جنبش اعتراضی ضد سرمایه طبقه کارگر در جهان و به ویژه در کشورهای مهم کاپیتالیستی قدرتمند است. برمتن بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ و در سه ساله بعد از آن به یمن اعتراضات کارگری در فرانسه و کشورهای دیگر به کاهش دستمزدها و بیکارسازیها و افزایش سن بازنشستگی، مقابله باتشدید فشار بر بخش شاغل طبقه کارگر و تحمیل سیاست "ریاضت کشی اقتصادی" از طرف دول بورژوازی، شکل گیری موجی از اعتراضات علیه فقر، تبعیض و نابرابری را در آمریکا و کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین بودیم. فاجعه کرونا و تبعات آن وقفه ای در روند روبه گسترش اعتراضات کارگری و توده ای

علیه وضع موجود ایجاد کرد، اما بار دیگر در همین یکسال اخیر در کشورهای مهم اروپایی از جمله انگلستان و آلمان و فرانسه و ... شاهد موج جدید اعتصابات و اعتراضات کارگری هستیم. مساله مهم اینست، در اکثر کشورها و در همین دو دهه این جدالهای اجتماعی و اعتراضی با محوریت طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی رادیکال و مردم محروم علیه سرمایه داری به عنوان منشاء فقر و تبعیض و نابرابری است. اما این جایگاه اجتماعی - مبارزاتی قوی طبقه کارگر متأسفانه با حضور نمایندگان و پرچمداران کمونیسم کارگری، جنبش و تحزب کمونیستی این طبقه، در صحنه سیاسی خوانائی ندارد. این خلاء موجود در رهبری طبقه کارگر بر اعتراضات و تحولات سیاسی اکنون و آتی در کشورهای سرمایه داری است. پرکردن این خلاء از کانال ایجاد احزاب کمونیستی کارگری یکی از مصافهای تعیین کننده جنبش کمونیسم کارگری است. این امر کمونیستهایی است که چشم به قدرت گیری کارگری و تحقق انقلاب کارگری و ایجاد جامعه نوین کمونیستی دوخته اند.

۱۶- جامعه ایران در آستانه تحول انقلابی سرنوشت سازی است. ما بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیستی- کارگری و جنبش آزادی زن در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم توده ای برای آزادی و برابری و رهایی انسان فراهم شده واقفیم. تحول انقلابی جاری با حضور جسورانه زنان آزادیخواه در دوهفته اخیر در خیابانها و حجاب سوزان آنها در اعتراض به قتل مهسا امینی اثرات جهانی و منطقه ای مهمی را بدنبال داشته است. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی فضای مساعدی برای تقویت و عروج آلترناتیو کمونیستی در دیگر کشورهای جهان فراهم میکند.

۱۷- ما اعلام میکنیم بیش از این بربریت کاپیتالیسم را تحمل نمیکنیم. فقر و تبعیض غیر قابل تحمل بر جهان را نمیپذیریم. به مثابه کمونیسم طبقه کارگر قصد نداریم به دور جدید میلیتاریسم و تروریسم و جنگ و رقابت قطبهای بورژوازی که جهان را با مخاطرات جدی ای روبرو کرده اند، تن دهیم. ما به راسیسم و قومپرستی و مذهب گردن نمیگذاریم. ما در خاورمیانه قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را تحمل کنیم، ما سیاست ساقط کردن حاکمیت بورژوازی و سرنگونی حکومتهای اسلامی و مستبد و پلیسی و مستقیماً سرنگونی جمهوری اسلامی را داریم. ما بر سازماندهی فوری انقلاب کارگری و بنیاد گذاشتن حکومت کارگری در ایران پای می فشاریم. ما عروج نسلی جدید از احزاب کمونیستی کارگری و انقلابی و مارکسیست را از نیازهای حیاتی این دوره مهم تاریخ بشر میدانیم. ما طبقه کارگر و مردم آزاداندیش جهان را به سوسیالیسم بعنوان تنها راه نجات بشریت فرامیخوانیم.

مصوب کنگره دهم حزب باتفاق آرا  
اکتبر ۲۰۲۲

**به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**کمک مالی کنید!**

## هویت بافی دروغین در گرو پدرسالاری

سائمه سلطانی

پیش از این که به شرح موضوع بروم، کوشش می‌کنم یک تعریف معتبر و علمی از هویت انسان داشته باشم. انسان «هموساپینس» است که «همو» معادل انسان و ساپینس هم معادل خردمند یا خردورز است که نظر به تحقیقات (Homo sapiens) بقایای (Homo erectus) یا (Homo ergaster) می‌باشد.

گونه یا (specie) انسان، حدود دوصد هزار سال قبل از آفریقا روی دلایل خاصی دست به مهاجرت به سایر نقاط دنیا، مانند جنوب غرب آسیا، غرب، شرق و مناطق گرم‌تر جنوبی اروپا و آسیا زدند.

از نظر علمی هویت انسانی که در فوق یادآوری شد، معیارها و شاخصه‌های جغرافیایی هویت مانند زبان، مذهب، کشور، ملیت، قوم، زادگاه، محل بزرگ شدن و... فاقد اعتبار علم بیولوژیک نداشته می‌شوند و محصول دنیای سیاست‌اند؛ مثلاً بحث نژاد و قوم باعث درگیری و خونریزی زیادی در تاریخ جوامع بشری گردیده است.

### پرسش مهم این است که آیا واقعاً نژادی وجود دارد؟

پاسخ منفی است. چون هیچ یافته و استدلال علمی بیولوژیکی وجود ندارد که این مسأله را تأیید کند. بگذارید این موضوع را از زبان داکتر حسام نوذری زیست‌شناس معروف ایرانی که چند سال قبل در یکی از بحث‌های رسانه‌ای‌شان تحت عنوان «نژاد» توضیح دادند یادآوری کنم: «انسان دارای ۲۳ جفت و یا ۴۶ عدد کروموزم است که در کروموزم شماره ۹، گروه خونی وجود دارد؛ یعنی این کروموزم دارای یک ژن، اما با بیانات مختلف است. دقت کنید اینجا یک ژن گفته شده نه «چند ژن»!

این بیانات مختلف، گروه‌های خونی هستند که نمی‌توانند مدعی وجود نژاد شوند؛ زیرا ممکن است خون یک انسان آفریقایی با خون شما هم‌سان و هم‌گروپ باشد. در حالی که یک یا چند تن از اقارب نزدیک شما چنین وجه مشترکی را با شما نداشته باشند.

در مورد فهم بیشتر و بهتر علمی هویت انسان، حداقل باید تاریخ سیر تکامل موجودات زنده یا (phylogenies) از تکسلولی تا انسان، مطالعه و بررسی شود.

با ختم جامعه‌ی مدرسالار/ زرسالار و آغاز جامعه‌ی کشاورزی/ طبقاتی که بر فعالیت بالفعل و بالقوه‌ی مردان قرار داشت، پدرسالاری هم‌زمان با زن‌سنیزی آغاز شد.

مردان نه تنها که از نگاه مالی و اقتصادی، حکمرانی را به چنگ گرفتند، بلکه به شکلی از سیاست و اخلاق مردسالار و فرودستی زنان

نیز استیلا یافتند که تا امروز در هر دوره‌ای از تاریخ، این سیاست به اشکال منحصر به خود به انواع پیچیده‌ی تولید و بازتولید شده است.

جستارها و مبحث‌های مهم این پدیده را در پنج بخش دنبال خواهیم کرد:

- ۱- ملکیت‌پنداری کودک؛
- ۲- ملکیت‌پنداری زن؛
- ۳- منفعل‌پنداری مادر؛
- ۴- تشدیدسازی پدرسالاری؛
- ۵- فاشیسم و ارتباط آن با پدرسالاری.

### ملکیت‌پنداری کودک

زمانی که کودکی متولد می‌شود، یک تصور از قبل جاسازی شده (Normative) به شکل رسمی در اذهان همه جا باز می‌کند. تصویری که ادعا دارد و می‌گوید این طفل مانند یک حلقه‌ی زنجیر از بالا به پایین به هم بافته شده و به جد پدرش ارتباط می‌گیرد. او ملکیت و مال پدرش است. اصلاً او فرزند پدرش است. برای همین شاید با جمله‌ای که اکثر وقت از مادران یا دیگر افراد هنگام به خطر نزدیک شدن جان کودک یا فرزند می‌شنوید، آشنا باشید که به مادر کودک بازگو می‌کنند: «احتیاط کن اولاد مردم است!» یا مثال واضح‌تر از آن، ثبت هویت (متعلق‌سازی اسمی فرزند) به پدر از کارت هویت گرفته تا تمامی اسناد و مدارک مربوط به کودک. اسناد حقوقی، او را منحیث فرزند، تنها به پدر متعلق می‌داند؛ مثلاً فرزند فلانی‌خان نه فرزند فلان خانم. واضح‌تر یاد کنم، فرزند حامد، نه فرزند حسنیه و حامد و ...

براساس همین تصورات و عقاید همه وجود کودک را به جایگاه اجداد پدری‌اش ربط می‌دهند و هویت آن را براساس پدرسالاری خانوادگی تعیین می‌کنند. حالا این را بیایم با یک دید عمیق بررسی کنیم، فرض بر درست بودن این هویت‌سازی بگذاریم؛ اما باید مشخص کنیم این فرضیه چقدر درست است؟

مثلاً هویت کودک را معمولاً براساس زادگاه اجدادش و یا محل بزرگ شدن اجدادش تعیین می‌کنند. پدربزرگ در هر جا متولد شده، هویت فرزند و نواده‌ها هم براساس همین شاخصه مشخص می‌شود. مثلاً پدربزرگ در فلان قریه، ولسوالی و ولایت بزرگ شده است، پس باید هویت فرزند و نواده‌ها هم بر اساس همین شاخصه تعیین شود.

اگر قرار باشد محل تولد و محل بزرگ شدن را معیار تشخیص هویت قرار بدهیم، پس چرا این اولویت را به محل تولد و محل بزرگ شدن خود کودک یا خود فرد ندهیم!





مذهب که انسان‌ها را در چنددستگی، متفاوت از هم و در تقابل با همدیگر قرار می‌دهد، اشتباه است و قابل رد.

**ملکیت‌پنداری زن**  
زن یک موجود مستقل است؛ اما متأسفانه تا امروز نتوانسته است آن استقلالیت مسلّمش را بدست آورد.

زمانی که کودک متولد می‌شود باید منحصیث یک مال یا شیء مربوط به خانواده‌ی پدر، که بدون شک مبنای خانواده براساس سلطه مردانه شکل گرفته و رسمیت یافته است، هویت و تخلص پدرسالارانه‌ی خانواده را با اسم و وجود خودش حمل کند تا جایگاهی در جامعه به شکل رسمی و غیر رسمی، دریافته و مشروعیت پیدا کند.

همچنان بعد از ازدواج هم باید هویت و تخلصش را عوض کرده و هویت صاحب جدید، یعنی شوهرش را حمل کند؛ چرا؟

چون او مال و ملکیت پنداشته می‌شود و زمانی که این ملکیت از دست صاحب اول به دست صاحب دوم به فروش و معامله گذاشته می‌شود، هویت، تخلص و شناسنامه‌ی اجتماعی او هم مطابق هویت و تخلص صاحب جدیدش عیارسازی می‌شود.

از این‌جاست، که او در رابطه‌ی همسری هم بیشتر از این‌که جایگاه همسر را داشته باشد، جایگاه ملکیت و مال متعلقه‌ی شوهر را دارد. این شوهر و اصول پدرسالارانه/مردسالارانه خانواده اند که هنگام تولد کودک، هیچ نوع حقی برای کودک، مشخصاً کودک زن، قایل نمی‌شوند و بر علاوه‌ی سایر تحمیلات و خشونت‌ها، هویت او را نیز منحصیث یک مال و متاع منحصرسازی نموده و در نهایت کودک زن در هنگام بزرگسالی و ازدواج بر علاوه‌ی جسمش، هویتش نیز معامله می‌شود.

#### منفعل‌پنداری زن

منفعل‌پنداری زن در رابطه‌ی جنسی و تولد فرزند ریشه‌ی دیرینه در تاریخ بشر دارد؛ مثلاً در بخش دینی، دین اسلام در قرآن، سوره بقره، آیت ۲۲۳، زنان را کشتزار مردان معرفی کرده است.

در بخش فلسفی، ارسطو همانند اسلام دیدگاه مشابه به زن در تولد فرزند دارد. او در کتاب (Generation of Animals) بدین باور است که زن منحصیث پرورش‌دهنده، تغذیه‌کننده و در نهایت بخشنده‌ی جسم به جنین است؛ اما مرد با اعطای «روح» به جنین، نقش متعالی‌تری نسبت به زن در تشکیل جنین دارد. به همین دلیل است که ارسطو به برتری جنس مذکر بر جنس مؤنث باورمند می‌شود؛ زیرا او باور دارد در «روح» اثری الهی گنجانده شده است. از این رو، روح و نفس بر جسم، و مرد بر زن تقدم و برتری دارد؛ یعنی این‌که روح متعالی جوهر مرد است و عنصر اصلی وجود او؛ اما زن موجود غیر متعالی و جسم

## هویت‌بافی دروغین در گرو پدرسالاری ...

چرا هویت فرد در گرو هویت فرد دیگر باشد. آن هم بر اساس جنسیت‌سالاری تک‌قطبی؟ به‌ویژه در موارد محل تولد و محل بزرگ شدن؛ محل تولد و محل بزرگ‌شدن اجداد متفاوت است و یکسان نیست.

بعضی از فمینیستان و مدافعان حقوق زن می‌گویند: «باید در کارت هویت فرزند و تمامی مدارک او، هویت مادر همانند هویت پدر ثبت شود»؛ اما این مسأله هم مشکل دارد؛ زیرا باز هم رسمیت بخشیدن به ملکیت‌پنداری کودک است، اما این بار در یک سیستم دوخانوادگی؛ یعنی بر علاوه‌ی ملکیت‌پنداری کودک توسط خانواده‌ی پدر، ملکیت‌پنداری خانواده‌ی مادر نیز افزوده می‌شود. این دیدگاه سطحی تعادل جنسی و تخیل برقرارسازی عدالت جنسی، در حقیقت تأیید ملکیت‌پنداری کودک است. بنابراین باید ملکیت‌پنداری کودک را چه در فرم پدرسالاری و چه در فرم تعدیل‌شده‌ی مساوات جنسی یا متعلق‌سازی هویت کودک با هویت مادر و مادرسالاری و چه تلفیقی از هر دو، رد کرد. باید به شخصیت، وجود و استقلال فردی کودک به مثابه‌ی یک انسان حرمت گذاشت و از بندگی و بردگی هویتی در قید هویت پدرسالاری، مادرسالاری یا پدر-مادرسالاری نجات داد؛ زیرا حتا اگر تنها این مسأله‌ی عدالت جنسیتی و در نظرگیری هویت مادر و پدر در هویت‌گذاری کودک بود، باز هم نمی‌شد حل آن را فرض کرد؛ زیرا براین اساس، باز هم هویت خود مادر و پدرکودک از هویت یک زن و شوهری تشکیل شده که هر کدام دارای پدر و مادر از هویت‌های مختلف پدر مادر خودشان و هویت پدر مادر آن‌ها از هویت پدر مادر با هویت‌های مختلف و اختلاط شده دیگر، شکل گرفته است و این زنجیره به همین منوال تا هزاران جد ادامه دارد.

به قول دیگر، هر پدر و مادری از پدر و مادری با میلیون‌ها جد دو طرفه، هم از سوی مادر و هم از سوی پدر، از هویت‌های مختلف (اینجا با تکیه بر روال برداشت جامعه از هویت «هویت‌های مختلف» یادآوری شده) متولد شده‌اند. در این صورت هیچ جد ثابتی را نمی‌توان یافت که دارای هویت مشخص، خالص و دست‌نخورده‌ای باشد.

مسأله‌های بزرگ ناسیونالیستی و فاشیستی ریشه در همین سیستم خام پدرسالار و غیر علمی «هویت» دارد که باید برای طرد آن از بالا وارد عمل شد.

در نتیجه، آنچه مهم پنداشته می‌شود، این است که هیچ جد ثابتی که وجود انواع مختلف نسل‌ها را ادعا کند، وجود ندارد؛ چون «انسان انواع مختلف ندارد» که بخواهیم هویت افراد را بر اساس جد و قبیله تعیین کنیم، انسان تنها یک نوع دارد و آن هم نوع و گونه‌ی خردمند است!

در اینجا هر نوع ساختار و معیار سیاسی چون نژاد، قوم، زبان و

در جامعه‌ای که هویت‌گذاری بر اساس زنجیره‌ی پدری صورت می‌گیرد، بدون تردید در آن ساختار قدرت مرد هم افزوده شده و شکل «اصل و فرع‌سازی» را آماده می‌کند و از همین‌جاست که زن منحیت یک رباط توسط مرد خریده و تصاحب می‌شود. مسوولیت دارد تا برای مرد حیثیت خادم جنسی را داشته باشد و لذت و سرگرمی را باید فراهم کند. او کودک مرد را همچون ثمر در وجودش باید پرورش داده و در خدمت آرامش او قرار دهد. در نتیجه، جامعه‌ی مردسالار، مردمحور و «زن‌کوب» شکل می‌گیرد. بدون تردید، مرد در این جامعه چه در نقش فرزند خانواده، چه در نقش همسر، چه در نقش برادر، چه در نقش پدر، چه در نقش عمو/کاکا، چه در نقش ماما و بالاخره هر آن نقشی که او را با زنان به نحوی دارای ارتباط خانوادگی یا خویشاندوی قرار می‌دهد، جایگاه فرمانروا را به مرد و فرمانبردار را به زن می‌بخشد.

زن منحیت فرد فرع و جنس درجه دو در چنین حالت مکلف به پیروی و حفاظت از عزت مرد است؛ یعنی مرد فرد و جنس اصل می‌باشد. در چنین سیستمی، بدن زن منحیت مال و مال هم به مثابه‌ی عزت مرد پنداشته می‌شود و این مکلفیت در واقع زنجیر زدن به استقلال و شخصیت خودش است.

چنین ساختاری مرد را در موقعیتی قرار می‌دهد، که در هر حالت، چه نیاز و چه عدم نیاز، زن باید برای لذت، سرگرمی و آرامش او، خود را آماده و در اختیار او قرار بدهد.

قتل‌های خانوادگی، تجاوزات جنسی و فکری، خشونت‌های درون‌خانوادگی، تأثیرپذیری، آسیب‌پذیری، خودکشی‌ها، خودسوزی‌ها، تیزاب‌پاشی‌ها، آمار پایین شغلی، آمار پایین تحصیل و... نتایج المناک همین حس هویت‌زایی پدری و ملک‌پنداری کودک، به‌خصوص کودک زن، در سیستم پدرسالاری و مردسالاری اند.

#### فاشیسم و ارتباط آن با پدرسالاری

در بالا به تعیین هویت فرد بر اساس هویت پدری و جد پدری‌اش اشاره شد. بدون شک در طول تاریخ طبقاتی و مردسالار بشر هویت قومی، دینی، زبانی\*، نژادی و سمتی افراد بر اساس دین، زبان، نژاد، قوم و سمت، پدر و خانواده‌ی پدری شکل گرفته است. ازین رو هر چه عناصر فاشیستی نژادی، زبانی، قومی، دینی و ملی را مشاهده می‌کنیم، بیشتر به این پی می‌بریم که این عناصر از هویت پدری افراد شکل گرفته است؛ مثلاً هیتلر بر اساس نژاد برتر آلمان، که پدرش یک جرمن نژاد، آلمانی زبان و مسیحی بود، دست به ایجاد دیکتاتوری فاشیستی نازیسم آلمانی زد و جنگ جهانی دوم را به‌راه انداخت؛ یعنی هیتلر بر اساس نژاد، زبان و دین پدری، به اندیشه‌های فاشیستی رسید.

در نتیجه دوباره می‌خواهم چند موضوع مهم را یادآوری کنم. ما اگر خواهان دست شستن از ویروس‌ها و میکروب‌های سمی‌ای فاشیستی چون زبان‌سنیزی، قوم‌سنیزی، نژادسنیزی، دین‌سنیزی و هر نوع عناصر فاشیستی دیگر، همچون زن‌سنیزی و پدرسالاری-مردسالاری هستیم، باید آن را از ریشه بپزیم. بدون شک ریشه‌ی همه‌ی این‌ها در گرو پدرسالاری و جامعه‌ی طبقاتی قرار دارد.

## هویت‌بافی دروغین در گرو پدرسالاری ...

است که محکوم به فناست. نظر ارسطو چیزی شبیه باور ادیان به انسان است. از نظر ادیان، انسان متشکل از روح و جسم است. روح انسان نمی‌میرد؛ اما جسم او محکوم به نابودی است و نیست می‌شود. همچنان همانند ارسطو افراد زیادی در طول تاریخ وجود داشتند/دارند که باورمند به منفعل‌بودن زن در امر باروری فرزند هستند. از جمله، هارتسوکر (artsoeker) بر اساس نظریه‌ی از قبل تشکیل‌شده یا «preformation» اش معتقد بود: «منشاء جنین به طور کامل به پدرش تعلق می‌گیرد». این باور همسان دید اسلامی در مورد منفعل‌پنداری زن است؛ مثلاً، اسلام نیز می‌گوید: «طفل تا هفت سالگی نزد مادرش باشد»؛ چرا؟ چون تا هفت سالگی طفل نیاز جدی به پرورش و کسی دارد که او را به قول معروف «از زیر پا نجات دهد». در این‌جا به خوبی استنباط می‌شود که اسلام زن را برای پرورش و تغذیه‌ی فرزند مرد می‌طلبد و می‌خواند، نه منحیت مادر و کسی که حق دارد در کنار فرزندش باشد؛ زیرا از دید اسلام زن منفعل است و باید از کودک مرد مواظبت کند.

اما امروزه آموزه‌های اسلام، ارسطو و سایر هم‌باوران آن‌ها، از نگاه علم طب و بیولوژی باقطع نادرست و مبنی بر «تصورات خودی» اثبات شده است. طب امروزی دیگر آن توهمات، فرضیات ذهنی و سوژکتیو را فاقد اعتبار دانسته و در حد ۵ درصدی هم تأیید نمی‌کند. آنچه در طب و علم بدن‌شناسی انسانی در خصوص فرزندآوری تاکنون کشف شده است، تشکیل جنین را از تخمک زن و اسپرم مرد، که زن با دو کروموزم «X» مرد با دو کروموزم «Y» به سوی نطفه‌بندی جنین می‌روند. با این حساب سهم زن و مرد در تشکیل جنین پنجاه درصدی است. این موضوع را از نگاه فیلوژیک یا علم تبارزایی و سیر تکامل موجودات زنده هم می‌توانیم به اثبات برسانیم. دیوید کریستین در کتاب *this fleeting world*، صفحه‌ی ۱۴، ترجمه‌ی امیر کلینی، چنین می‌نویسد: «گروهی از یوکریوت‌ها سرانجام به تبادل قسمتی از «DNA» خود با یکدیگر دست زدند، نتیجه آن فرزندان بود که دارای تلفیقی از مشخصات پدر و مادر خود بودند. این سرآغاز نوعی تولید مثل است که به تولید مثل جنسی معروف شده است. تولید مثل جنسی با درهم‌آمیختن مشخصات و خصوصیات پدر و مادر موجب تغییرات بیشتری در فرزندان آن‌ها می‌شود».

نگاه ارسطو، اسلام، سایر مذاهب و جامعه‌ی سنتی همه در یک ردیف علیه کشفیات و تحقیقات امروزی طب، در مورد سهم زنان در تشکیل جنین و هویت آن، قرار دارد.

خلاصه نگاه علمی‌ای که معتبرترین مدرک در خصوص رد منفعل‌پنداری زن است، حق حضانت و باورهای سنتی که مادر را برخلاف پدر، از داشتن هر نوع حق بر فرزند مبرا می‌داند، رد می‌کند.

تشدید پدرسالاری

## هویت‌بافی دروغین در گرو

### پدرسالاری ...

با نابودی پدرسالاری، در واقع فاشیسم را نابود کرده‌ایم؛ زیرا ارتباط بین فاشیسم و پدرسالاری به حدی تنگ‌تنگ و به هم چسبیده است که به راحتی می‌شود به جای فاشیسم از واژه «پدرسالاری» منحیث توضیح مسایل برتری طلبی قومی، زبانی، نژادی، دینی و ... استفاده کرد.

#### در نتیجه

در این مقاله به دو موضوع مهم و اساسی اشاره شده است؛ زن‌ستیزی و فاشیسم که هر دو این‌ها از دامن پدرسالاری بر می‌خیزند و پدرسالاری هم از دامن هویت‌گذاری جنسی-پدرسالارانه.

هر چند شکل‌گیری دولت‌های ملی، قانون‌های دولت‌کشوری و اصل شهروندی، به‌خصوص در ممالک اروپایی-آمریکایی این هویت‌گذاری پدرسالارانه مطلق را تغییر شکل داده است؛ اما در کل و هم در کشورهای شرقی این هویت‌گذاری به شکل مطلق پدرسالارانه آن صورت می‌گیرد و در اکثریت نقاط جهان تصور بر این است که کودک مرتبط به نسل پدری می‌شود و هویتش را هم براساس همان پیشینه‌ی پدری به رسمیت باید شناخت. تصویری که نهایتاً اشتباست و عامل باززایی زن‌ستیزی و فاشیسم نژادی، قومی، مذهبی، زبانی و ... می‌گردد.

\*\*\*

\*خیلی‌ها تصور دارند زبان افراد براساس زبان مادری‌شان شکل می‌گیرد؛ اما در جامعه‌ی افغانستان و سایر کشورهای سنتی موارد زیادی داریم، همسر مرد که متعلق به صحبت‌کنندگان زبان دیگر بوده، مجبور شده، زبان خانوادگی همسرش را فرا بگیرد، با کودکش هم با زبان خانوادگی همسرش رابطه برقرار کند، حتا به مذهب خانوادگی همسرش بگردد. بنابراین کم‌کم تخلص خانوادگی پدری او از کنار نامش پاک شده و تخلص خانوادگی همسرش کنار اسمش ضمیمه می‌شود. منحصیث ناموس و ملکیت همسر و در نهایت خانوادگی همسر مأخذ می‌شود. حالا بی‌دلیل نیست که چرا فاشیسم زبانی افراد براساس زبان خانوادگی پدری شکل می‌گیرد.

سنبله ۷، ۱۴۰۱

رفیق سائمه سلطانی از مارکسیست‌های افغانستان و فعال حقوق زن است.

## نامه ای از یک رفیق کارگر

رفیق سیواوش عزیز درود بر شما، خواستم در مورد تعی‌بین دستمزدها برای سال ۱۴۰۲ و مسائل پیرامونی آن اندکی بنویسم. نخست اینرا می‌خواهم بگویم که اداره امور جامعه از کنترل دولت و حکومت خارج شده است، رابطه حکومت با مردم بشدت در تنازع و در نقطه مقابل همدیگرند. دولت با کسر بودجه شدید مواجه است و بانی و مسبب همه گرانی هاست. اما دولت عامدانه این گرانیها را پیش میبرد. از آنجا که دولت جای بخشهای تولید و توزیع اجتماعی را هم پر کرده است گرانی کالا و خدمات را وسیله ای برای تامین اعتبارات دستگاههای دولتی خود میداند. امروز دولت با توسل به اخذ مالیاتهای سنگین و افزایش نرخ عاملهای انرژی و خدمات بار کمرشکنی را بر دوش جامعه و بویژه کارگران و کارمندان گذاشته است. دولت بلعینه دارد گور خود را میکند و تابوت مرگ خود را مهیا میکند. دولت عامل اول قاچاق نفت و انرژی در جهان با فروش ارزان است. از طرفی کولبران و سوختبران خرد و جزء را به مرگ تهدید میکند و می‌کشد، و این در حالیست که هیچ اقدامی نیز برای ایجاد شغل دائمی انجام نمی‌دهد. رژیم با در نظر گرفتن اولویت شغلی به عناصر نظام عرصه را بر جوانان منتظر شغل تنگتر کرده است.

**اما تعیین دستمزدها :** با توجه به سر به فلک کشیدن قیمتها بویژه قیمت دلار و نابرابری با ارزش ریال ایرانی و نقش حکومت در جذب دلار در بازار برفع دولت، قدرت خرید جامعه کارگری و کارمندان و بازنشستگان بطور تکانه‌دهنده ای رو به افول و کاهش است. از سوی دیگر مالیات بر حقوق کارکنان دولت یک دزدی آشکار از سفره حقوق بگیران دولت است. نکته جالب دیگری هم در مورد حقوق بگیران هست و آن اینکه دولت در صدد افزایش ۲۰ درصدی حقوقهاست، مشخصاً تعدادی از کارکنان رده بالای حکومت بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان حقوق میگیرند و این فقط حقوق آنان است و این طیف از مزایای کمیابهای پنهان و آشکار هم بهره مند هستند. حالا با احتساب ۲۰ درصد افزایش، حقوق آنها به ۲۴۰ میلیون میرسد اما اگر حقوق کارمندی در سال ۱۴۰۱ بطور مثال ۱۰ میلیون باشد، حقوق وی با افزایش ۱۲ میلیون خواهد بود، نگاهی به این دو حقوق بگیر فرضی واقعا تأمل برانگیز است.

وزیر کار و تعاون در مجلس اسلامی اظهار کرده است سعی خواهیم کرد طوری عمل کنیم و حقوقها را افزایش دهیم که هم رضایت خالق و خلق خدا را در پی داشته باشد. وقتیکه قیمت کالاها و مایحتاج جامعه افسار گسیخته و لحظه ای سر به آسمان می‌ساید، نمیدانم این حقوق ثابت کارگران و کارمندان چگونه می‌خواهد فاصله تورم و شکاف طبقاتی را کم کند!!! دولت و نماینده کارفرمایان همواره در موعد افزایش حقوقها موضعگیری میکنند و به بهانه اینکه افزایش حقوق حقوق بگیران موجب افزایش نقدینگی و تورم را خواهد بود و با تهدید به تعدیل نیروی کار در موسسات دولتی و کارخانه‌ها به کارگران و نمایندگان آنها فشار می‌آورند و با چانه زنی سفره و معیشت کارگران را برفع خود مورد دستبرد قرار میدهند. کارگران و کارمندان غالباً مستاجر و بدهکاران و وام بگیران بانکها هستند که حتی توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارند. وقتیکه در سال جاری آنهم با اعلام آمار خودیهای دولت خط فقر در اوایل ۱۴۰۱ بیشتر از ۱۸ میلیون تومان اعلام کرده است و این مبلغ هم اصلاً پا بر زمین نداشته و ندارد، معلوم نیست حداقل بگیران عرصه کار و تولید چگونه امرار معاش کنند؟ ادامه این اوضاع و این همه فشار حکومت بر جامعه آینده ای سخت و دشوار را بر زندگی آحاد توده‌های کارگر و در سطح اجتماعی بر آزادیخواهان تحمیل خواهد کرد. بدون تردید این شیوه عمل رژیم موجب نارضایتیهای بیشتر و زمینه سرنگونی را با دستان خود توسط جامعه تهیدستان و زنان تحت ستم و سایر سطوح اجتماعی فراهم خواهد کرد. در اینجا مطلب را به پایان میرسانم. زنده باد آزادی و سوسیالیسم.

**آزادی، برابری، رفاه همگانی!**



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر**

**زاهدان، برگزاری تظاهرات با شرایط امنیتی شدید**

امروز جمعه ۵ اسفند بار دیگر مردم معترض زاهدان علیرغم شرایط امنیتی و استقرار نیروهای سرکوب انتظامی در تقاطع ها و حضور تک تیراندازان بر پشت بام ها، دست به تظاهرات زدند. نیروهای امنیتی از تجمع مردم در ایرانشهر ممانعت کردند. در تظاهرات امروز زاهدان از جمله شعارهای: "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر بسیجی"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "نه سلطنت نه رهبری دموکراسی و برابری"، "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان"، "بسیجی، سپاهی داعش ما شمایی"، "کرد و بلوچ برادرند، تشنه خون رهبرند" سر دادند. همینطور در پلاکاردهائی معترضین به سانسور رسانه ها، مجازات نشدن مسببین جمعه خونین زاهدان اعتراض داشتند و شعار "می‌کشم می‌کشم آنکه برادرم کشت" را فریاد زدند.

**اطلاعیه شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت ایران**

آقای رئیسی گویا قصد سفر به سرزمین انرژی دارید؟ هوا خوش است به قصد تفریح می‌آیی؟ یا وعده جدیدی در سر دارید؟ با توجه به عدم پاسخگویی به مطالبات چندین ساله کارکنان صنعت نفت منتظر ترک کار و اعتصاب کارکنان همزمان با ورود به عسلویه باشید. بیش از دو هفته است مجوز اجرای #ماده\_ده در کارتابل شماسست و هنوز آن را ابلاغ نکرده اید، تمام وزارت خانه ها #فوق\_العاده\_ویژه را افزایش دادند بجز وزارت نفت، مالیات نجومی و حقوق ناچیز کارکنان جدید الاستخدام و سنوات پایان خدمت در کنار افزایش ناچیز حقوق سالیانه نفسی برای کارکنان صنعت نفت باقی نگذاشته است که پذیرای شما باشند. به نشانه اعتراض در روز ورود شما بعلت ناسپاسی های مکرر در حق کارکنان و فشار حداکثری بر آنها با ترک کار دسته جمعی و اعتصاب پذیرای حضور شما خواهیم بود!

شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت ایران  
پنج شنبه ۴ اسفند ۱۴۰۱

**ممانعت امنیتی ها از تجمع کارگران پالایشگاه‌های گاز عسلویه**

روز دوشنبه ۱ اسفند، کارگران پیمانکاری (ارکان ثالث) شاغل در پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی اعلام کرده بودند که در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان در مقابل ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه دست به تجمع خواهند زد. اما نیروهای امنیتی و انتظامی با مستقر شدن در محل، مانع از تجمع این کارگران شدند. نکته قابل ذکر این است که شب قبل از آن علیرضا میرغفاری از مسئولین کانون انجمن‌های صنفی عسلویه توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده و برای تعدادی دیگر نیز احضاریه صادر شده است. این درحالیست که این

انجمن‌های صنفی کاملاً تحت کنترل نیروهای امنیتی و مسئولین دولتی و کارفرمایان اداره میشوند و بارها با تلاش کارگران برای برگزاری اعتراضات مخالفت کرده‌اند. اما اینبار که آنان نیز با اعتراض دیگر کارگران همراه شدند مورد برخورد امنیتی قرار گرفتند. کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی خواستار اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، ساماندهی وضعیت نامناسب رانندگان استیجاری و اجرای طرح جبران خدمات برای آنان، اجرای طرح تردد ۲ به ۲ به صورت کامل برای همه واحدها، ساماندهی وضعیت خدمات رفاهی کمپها و خوابگاه‌ها و دیگر مطالباتشان هستند.

**بازداشت ۵ نفر از نمایندگان کارگران پارس جنوبی پیش از برگزاری تجمع صنفی**

در پی مخالفت مقامات قضایی و انتظامی استان بوشهر با سومین درخواست کانون صنفی کارگران پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی برای برگزاری تجمع صنفی در روز اول اسفند امسال مقابل ستاد این مجتمع و مطرح کردن مشکلات شغلی کارگران، فعالان کارگری خبر دادند علاوه بر اینکه ۵ نفر از کارگران طی دو روز گذشته دستگیر شدند، ماموران انتظامی و امنیتی هم در محل برگزاری تجمع حاضر شده و جمع محدود کارگرانی را که قصد طرح مشکلات صنفی داشتند، با رفتارهای خشونت‌آمیز متفرق کردند.

**اعتصاب و تجمع کارگران معدن کروم عاشورا آرزونیه**

روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱، کارگران معدن کروم عاشورا منطقه آبدشت صوغان شهرستان آرزونیه برای اعتراض به سطح نازل دستمزد، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و شرایط سخت کاری دست از کار کشیدند و در این واحد معدنی در استان کرمان تجمع کردند. این کارگران حدود ۲۰۰ نفرند و در عمق ۷۰۰ متری کار می‌کنند و علیرغم کاری سخت دستمزد اندکی می‌گیرند و به همین دلیل تجمع و اعتراضی انجام دادند.

**تجمع اعتراضی کارگران معدن کرومیت اسفندقه**

کارگران معدن کرومیت اسفندقه کرمان در اعتراض به ۳ ماه عدم پرداخت دستمزد و حق بیمه کارگران و همچنین عیدی و سنوات آنها در ماه‌های منتهی به سال جاری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گفته کارگران، شرکت یاقوت به‌عنوان پیمانکار بهره‌بردار معدن با پایان قرارداد خود، بدون پرداخت مطالبات و حقوق کارگران اقدام به ترک محل و جمع‌آوری کارگاه کرده است.

**تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد اردستان**

روز دوشنبه اول اسفندماه، تعدادی از کارگران کارخانه



## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

کارگران شهرداری یاسوج مقابل استانداری تجمع کردند  
روز یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۱، تعداد زیادی از کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت هشت ماه حقوق معوقه‌شان مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. حدود ۴۰۰ کارگر در شرکت های مختلف تحت نظارت شهرداری یاسوج مشغول به کارند.

**معوقات مزدی معلمان خرید خدمات سیستان و بلوچستان**  
معلمان خرید خدمات سیستان و بلوچستان از پرداخت نشدن حقوق پنج ماه خود خیر دادند. در گزارشی به نقل از یکی از معلمان آمده است: «سال هاست که با کمترین حقوق و بیمه در دور افتاده ترین مناطق مرزی و امنیتی مشغول به خدمت هستیم اما هیچ توجهی نمی شود. پنج ماه است که حقوق و مزایای ما پرداخت نشده و ما پرسنل قدیم و جدید از نظر معیشت در وضعیت نابسامانی بسر میبریم.»

**تجمع اعتراضی فرهنگیان استان فارس در شیراز**  
معلمان استان فارس به دعوت انجمن صنفی معلمان فارس پس از وقفه چند ماهه، اولین تجمع اعتراضی خود را روز چهارشنبه سوم اسفندماه در محل اداره کل آموزش و پرورش استان فارس در شیراز برگزار کردند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی سراسر کشور**  
روز یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱ جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه، شوش، اهواز، شوشتر، کرمان، ایلام و سایر شهرها در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند. بنا بر خبر منتشر شده، روز چهارشنبه ۳ اسفند نیز جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی اهواز مجدداً مقابل ساختمان تأمین اجتماعی این شهرستان دست به تجمع زدند.

**تجمع بازنشستگان مخابرات در سراسر کشور**  
روز دوشنبه اول اسفندماه ۱۴۰۱ بازنشستگان مخابرات استانهای لرستان، کرمانشاه، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، اهواز، کردستان، استان مرکزی و تهران در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات استان در شهر خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت کمک هزینه های رفاهی و مطالبات خود و عدم اجرای کامل آیین نامه استخدامی و پرسنلی مخابرات ایران تجمع کردند.

**تجمع اعتراضی "معلولان" در مشهد**  
جمعی از "معلولان" مشهدی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، مقابل بهزیستی استان خراسان رضوی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**حمله حراست دانشگاه تهران به دانشجویان و رهگذران خارج دانشگاه**  
طبق قوانین جدید دانشگاه تهران دانشجویان دختر که پیش‌تر هنگام ورود به دانشگاه مورد بازخواست برای حجاب قرار می‌گرفتند، روز یکشنبه ۳۰ بهمن هنگام خروج نیز با برخورد حراست و دریافت کارت دانشجویی مواجه شدند. در بیرون از دانشگاه تعدادی

فولاد آریا اردستان برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه خود دست از کار کشیده‌اند و مقابل کارخانه تجمع کرده‌اند. این کارگران حقوق ماه‌های آبان، آذر، دی و بهمن خود را به‌طور کامل دبیافت نکرده‌اند. به گفته کارگران کارخانه فولاد آریا تاکنون اعتراض آنها به جایی نرسیده است و فقط وعده و جواب‌های سر بالا شنیدند و در عوض برطرف کردن مشکلات، مدیران کارخانه کارگران را تهدید و اخراج می‌کنند.

**اعتصاب کارگران پروژه‌های پتروشیمی آدیش کنگان**  
روز دوشنبه اول اسفندماه ۱۴۰۱، کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی آدیش کنگان واقع در سایت تمیک در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و وعده‌های واهی برای پرداخت آن دست به اعتصاب زده و در محوطه کارگاه تجمع کردند.

**اعتراض کارگران پتروشیمی مسجد سلیمان**  
روز سه‌شنبه دوم اسفندماه، جمعی از کارگران شاغل در پتروشیمی مسجد سلیمان نسبت به عدم دریافت ۶ ماه حقوق و بیمه معوقه شان دست به اعتراض زدند که متعاقب آن نیروهای حراست درب پتروشیمی را به روی کارگران بستند.

**تجمع اعتراضی کارگران حراست پروژه قطار شهری اهواز**  
کارگران حراست پروژه قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق معوقه و ۲ سال عیدی مقابل فرمانداری اهواز دست به تجمع زدند. به گفته این کارگران که کارفرمای آنها شرکت پیمانکاری «کیسون» است، آخرین دریافتی آنها بعد از چندین روز اعتراض در بهمن ماه بوده که در دو مرحله هر بار ۵ میلیون تومان به حساب حدود ۱۱۳ کارگر به صورت علی‌الحساب پرداخت شده و علیرغم اینکه کمتر از یک ماه به پایان سال باقی مانده، خیری از پرداخت مابقی مطالبات نیست. پروژه ساخت قطار شهری اهواز، از ماه‌های پایانی سال ۹۷ متوقف شده و تاکنون، ۵۰۰ کارگر آن به مرور بیکار شده‌اند و در حال حاضر حدود ۱۱۳ کارگر نگهبان و دو تا سه کارگر تاسیساتی در این واحد برای نگهبانی و حفاظت از تاسیسات کارگاه و ماشین آلات آن باقی مانده‌اند.

**تجمع کارگران شهرداری‌های خوزستان**  
صبح روز سه‌شنبه دوم اسفند ماه تعدادی از کارگران تحصیلکرده شهرداری‌های خوزستان با سفر به اهواز برای چندمین بار مقابل استانداری تجمع کردند. این کارگران خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود هستند اما کسی از مسئولین پاسخگو نیست.

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

کولونوسکوپ‌ی و آندوسکوپ‌ی داده‌اند اما مسئولین زندان بدون دلیل موجه از اعزام وی به مرکز درمانی خودداری می‌کنند. داود رضوی، عضو هیات‌مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، که ۵ مهر ماه بازداشت شده است، هم چنان بلاتکلیف در زندان تهران بزرگ نگهداری می‌شود و با وجود انتقال پرونده ایشان به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، هنوز کیفرخواستی برای او صادر نشده و بازداشت موقت او نیز در دو ماه اخیر به ایشان ابلاغ نگردیده است.

### جمشید شارمهد به اعدام محکوم شد

«پس از اتمام رسیدگی به پرونده و انجام تحقیقات، دادگاه کذائی تهران جمشید شارمهد فعال گروه تندر را به اتهام افساد فی‌الارض از طریق طراحی و هدایت اقدامات تروریستی به اعدام محکوم کرد». جمشید شارمهد، متولد ۱۳۳۴، شهروند دو تابعیتی ایرانی-آلمانی است.

### جانیان رژیم اسلامی دو زندانی سیاسی را مخفیانه اعدام کردند

روز چهارشنبه ۳ اسفند سرکوت احمدی، زندانی سیاسی اهل روانسر در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه اعدام شدند.

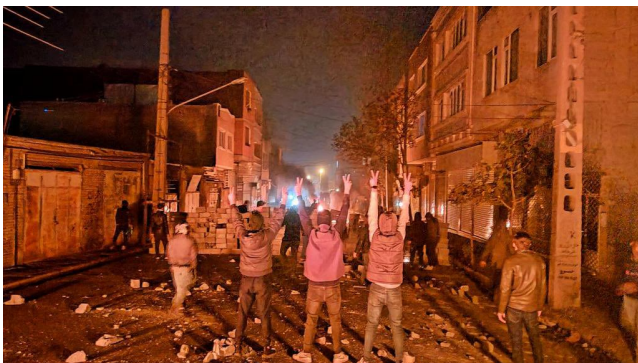
### قتل یک شهروند بلوچ در بازداشتگاه کلانتری ۱۲ زاهدان

چهارشنبه هفته جاری (۳ اسفند) ابراهیم ریگی، جوان بلوچ اهل زاهدان که در جریان خیزش انقلابی یکبار بازداشت و با قید وثیقه آزاد شده بود، مجدداً بازداشت و بعد از انتقال به بازداشتگاه کلانتری ۱۲ بر اثر ضرب و شتم به قتل رسید. پزشکی قانونی و قاضی کشیک ویژه قتل، قتل این جوان بلوچ را تایید کرده‌اند. گفته می‌شود آثار ضرب و جرح بر بدن او مشهود و همچنین لباس‌های وی پاره بوده است.

### حسن عیبات زندانی سیاسی در زندان سپیدار اهواز اعدام شد

بامداد دوشنبه یکم اسفندماه ۱۴۰۱ حسن عیبات در زندان سپیدار اهواز اعدام شد. حسن عیبات فرزند جلاو متولد ۱۳۵۷، متاهل از اهالی شهر حمیدیه در دی ماه ۱۳۹۰ به اتهام عضویت در گروه‌های مخالف نظام توسط اداره اطلاعات اهواز همراه پنج تن دیگر بازداشت شد. سران جنایتکار رژیم اسلامی ادامه حاکمیت سیاهشان را در تداوم سرکوب و اعدام میدانند، اما خیال باطل، خیزش انقلابی جاری سر باز ایستادن ندارد، دور نیست سران جنایتکار رژیم اسلامی دستگیر و در دادگاه‌های علنی مردمی جوابگویی جنایتشان شوند.

\*\*\*



دانشجو و رهگذر به برخورد نامناسب حراست اعتراض کردند که مسئول حراست ابتدا معترضان را تهدید و سپس مورد اهانت قرار داد. هنگامی که دانشجویان و رهگذران مقابل این توهین‌ها ایستادگی کردند چندین مامور حراست به خارج دانشگاه آمدند و افراد را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

### تداوم بازداشت و بلاتکلیفی سیامک ابراهیمی و شاهرخ احمدی

سیامک ابراهیمی و شاهرخ احمدی دو تن از فعالین اجتماعی که در ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ در مقابل منازل خود در تهران بازداشت و به بازداشتگاهی نامشخص در اوین منتقل شده‌اند هنوز در بلاتکلیفی بسر می‌برند. ایشان تا به حال فقط چند بار توسط موبایل شخصی خود با خانواده هایشان تماس گرفته و از سلامتی خود خبر داده‌اند. هنوز در مورد اتهام و دلیل بازداشت آنها اطلاعی در دست نیست و هیچ اطلاع دقیقی به خانواده هایشان داده نشده و صرفاً گفته‌اند که پرونده امنیتی است.

### تایید حکم ۹ سال زندان برای سعید مدنی در دادگاه تجدید نظر

حکم ۹ سال زندان سعید مدنی، پژوهشگر، روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس ایرانی در شعبه ۳۶ دادگاه کذائی تجدید نظر تهران عیناً تایید شد. هشت سال از این حکم قابل اجرا است که با اعتراضات گسترده مواجه شده است.

### بازداشت مسعود وفایی معلم بازنشسته توسط نیروهای امنیتی

بنابر گزارشات ارسالی، مسعود وفایی، دبیر بازنشسته فیزیک روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه، توسط نیروهای اطلاعات دستگیر شده، و علت دستگیری مشخص نیست.

### جلوگیری از دسترسی حمید قره‌حسنلو به خدمات درمانی

حمید قره‌حسنلو به دلیل بیماری کولیت روده به شدت بی‌حال است و به جای اعزام او به بیمارستان، تنها به وصل کردن یک سِرْم در بهداری زندان اکتفا می‌کنند.

### عدم اعزام داود رضوی به آندوسکوپ‌ی علیرغم دستور پزشک

بنا بر خبر منتشر شده، قرار بود که داود رضوی در تاریخ ۲ اسفند برای آندوسکوپ‌ی و کولونوسکوپ‌ی به بیمارستان اعزام شود. خانواده این کارگر زندانی با هماهنگی با زندان و بر اساس دستور پزشک برای وی نوبت گرفته بودند که متأسفانه این اعزام بدون ذکر دلیل کنسل شده است، و داروهای لازم برای آمادگی قبل انجام کولونوسکوپ‌ی که از ۴۸ ساعت قبل هست را در اختیار ایشان قرار نداده‌اند. داود رضوی از ناراحتی مزمن معده در رنج است و چند بار دچار خونریزی معده شده است. علیرغم اینکه هم پزشک معالج او و هم پزشک زندان دستور

**کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!**

*Communiqué*

*Worker-communist Party of Iran - Hekmatist*

*1 February 2023*

## **In solidarity with the female revolutionary uprising in Iran**

### **For a socialist equality**

The mass revolutionary uprising of women in Iran, which is named “female revolution”, is the most important issue of the day in this year’s international women’s day. For the first time in countries ridden with Islam, women and men stood up in their thousands to topple one of the most reactionary and misogynous regimes in the region. They came out to the streets shouting anti regime slogans while burning the hijab. This revolutionary movement that emerged 44 year ago against the then spiritual leader, Khamenei and chanted “No to Islamic hijab”, and “women’s rights are neither Eastern nor Western, they are universal” was brutally suppressed. It rose, once again in 2022 and gave hope to all and received national and international solidarity. It demonstrated the key role that women play in the struggle to overthrow the Islamic rule.

The main dominant characteristic of this movement in Iran is in its demands for equality, anti Islamism, and radicalism in words and deeds. This characteristic belongs to the socialist tradition of 8th March. Today, the socialist resolution of the question of women is tied with the socialist alternative to liberate the whole society. Women and men who have been arrested, tortured or killed are amongst millions of revolutionaries who hate the Mullahs and Islam. They have come to the streets in their thousands to end the nightmare of the Islamic Republic. There is no possibility of compromise, there is no way back. The Islamic Republic of Iran must go!

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist fights for the unconditional freedom, equality of men and women in all aspects of the society. Our policy, and that of the women’s liberation movement in Iran is to strengthen the secular and socialist trends that strive for equality and the downfall of political Islam.

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist greets the International Women’s Day. We urge all to commemorate this year’s 8th March in solidarity with the revolutionary movement and the political prisoners in Iran. We fight for a socialist equality. Let us raise this flag everywhere.

On International Women’s Day, let us shout out loud and clear “Free all political prisoners”. Let us paint every wall in universities, institutions and corners with this slogan. Let us publicise the picture of all those who were killed in their struggle for freedom. They must not be forgotten. We must not let the world forget about the crimes committed by the Islamic regime. They must be disclosed.

The necessary condition of abolishing gender apartheid and safeguarding women’s freedom in Iran is to overthrow the Islamic regime. The complete freedom and equality between men and women in all aspects is not possible without the fall of the totality of the Islamic regime, abolishment of wage labour and capitalism. We are victorious. There is no doubt about it. We will bury the flag of Islamic Republic and political Islam in Iran. Victory in Iran is the beginning of serious developments in the Middle East and the isolation of terrorism and the industry of religion. Taliban, Islamic regimes and the totalitarian regimes in the region will not rest under the revolutionary wave in Iran.

**Unconditional freedom of men and women in all aspects in society!**

**Down with Islamic misogynous and criminal rules!**

**Freedom, Equality, Workers’ State!**

**Worker-communist Party of Iran - Hekmatist**

**زنده باد همبستگی جهانی کارگران!**

## در باره در لیست تروریستی قرار گرفتن سپاه پاسداران

سیاوش دانشور

آیا شورای اتحادیه اروپا سپاه را بعنوان یک سازمان تروریستی در فهرست خود قرار میدهد؟ دولتهای اروپا تا امروز سیاست «دیالوگ انتقادی» را دنبال کردند و توجیه آن حفظ رابطه و انتقاد به حکومت بوده است و مدعی شدند که «بدون رابطه نمیتوان موثر بود». معنای واقعی سیاست «دیالوگ انتقادی» نمایندگی منافع کمپانیهای غربی، سکوت در قبال سرکوب خشن، ممانعت با رژیم اسلامی و دادن امکانات وسیع به جریانات اسلامی در قلب اروپا بوده است. در این میان «حقوق بشر» ابزاری سیاسی و دفاعی و اهرم فشار برای مقابله با زیاده روی جمهوری اسلامی بوده است.

تا لحظه کنونی نه دولت آمریکا و نه اتحادیه اروپا سیاست سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارند. هنوز برجام و معامله با حکومت و ملاحظاتی منطقه ای و رقابتهای جهانی سایه سنگینی بر سیاست دولتهای آمریکا و اروپا دارد. تغییر سیاست دولتهای غربی تنها زمانی ممکن است که بپذیرند زیر فشار مبارزه انقلابی جمهوری اسلامی در ایران پایان یافته است. در این مقطع هم چشم دول غربی عمدتاً به نیروهای درون حاکمیت و حفظ ساختاری است که در حال حاضر نظام را سرپا نگاه داشته است. تغییر شیفت سیاست ماکرو در غرب تابع این منافع است و نه تقاضای اپوزیسیون راست ایران.

ما میگوئیم مبارزه با تروریسم کار دولتهایی نیست که خود یک منشاء تروریسم اند. تروریسم یک رکن اساسی جنبش اسلام سیاسی است و همکاری و هم جویی و تقویت بخشی از این جنبش سیاست تاکتونی دولتهای غربی بوده است. تقسیم جنبش اسلامی به «میان رو و پرو رفرم» و «فاندانتالیست» درجه توجیه این سیاست بوده است. رضا پهلوی بارها گفته است که «امنیت» جامعه توسط همین سپاه و همین بسیج و همین نیروهای نظامی و انتظامی تامین میشود و نهایتاً خواهان تحریم افرادی از سپاه است. جناح اصلاح طلب و جمهوریخواه و مشخصاً حامد اسماعیلیون از تروریست خواندن سپاه و حفظ ارتش سخن میگوید. اما هر دو جناح، با کدهای طرح شده و بحثهای جلسات در هالیفاکس و مونیخ و بروکسل، پروژه اوکرایز کردن سیاست ایران در دوره انقلابی حاضر را دنبال می کنند.

ما همواره مخالف سیاست تحریم تجاری بعنوان یک سیاست کشتار جمعی مردم بودیم. در عین حال از تحریم سازمانهای تروریستی و عوامل حکومتی و عدم همکاری با آنان، مخالفت با دادن خدمات و سرویس های تکنولوژیکی جاسوسی و سرکوب توسط دولتها و کمپانیهای غربی به رژیم ایران بودیم. نه فقط سپاه بلکه کلیت حاکمیت اسلامی در ایران مبتنی بر تروریسم است. ما کمونیست ها چهار دهه براین واقعیت پای فشردیم و خواهان بستن سفارتخانه های رژیم و قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با حکومت تروریستی اسلامی بودیم. اپوزیسیون راست هنوز امیدش به اصلاح طلبان و امثال موسوی است.

به این اعتبار تحریم سپاه پاسداران و برسمیت شناسی آن بعنوان یک مافیای تروریستی با مخالفت ما روبرو نمیشود. سیاست ما انحلال سپاه پاسداران و کلیه نهادهای مافوق مردم است. در عین حال معامله و بند و بست این نیروها با بخشی از حکومتی ها و طرح این سیاست برای حفظ اساس نظم کنونی و دستگاه سرکوبش در دوره انقلابی از چشم ما دور نمی ماند.

۲۱ فوریه ۲۰۲۳

### آدرسهای تماس با حزب کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

[parvin.kaboli@gmail.com](mailto:parvin.kaboli@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!